

# انجمن حسابداران خبره آمریکا

ترجمه و تنظیم: مجید میراسکندری

## امتحانات سراسری

# C.P.A

### قسمت اول

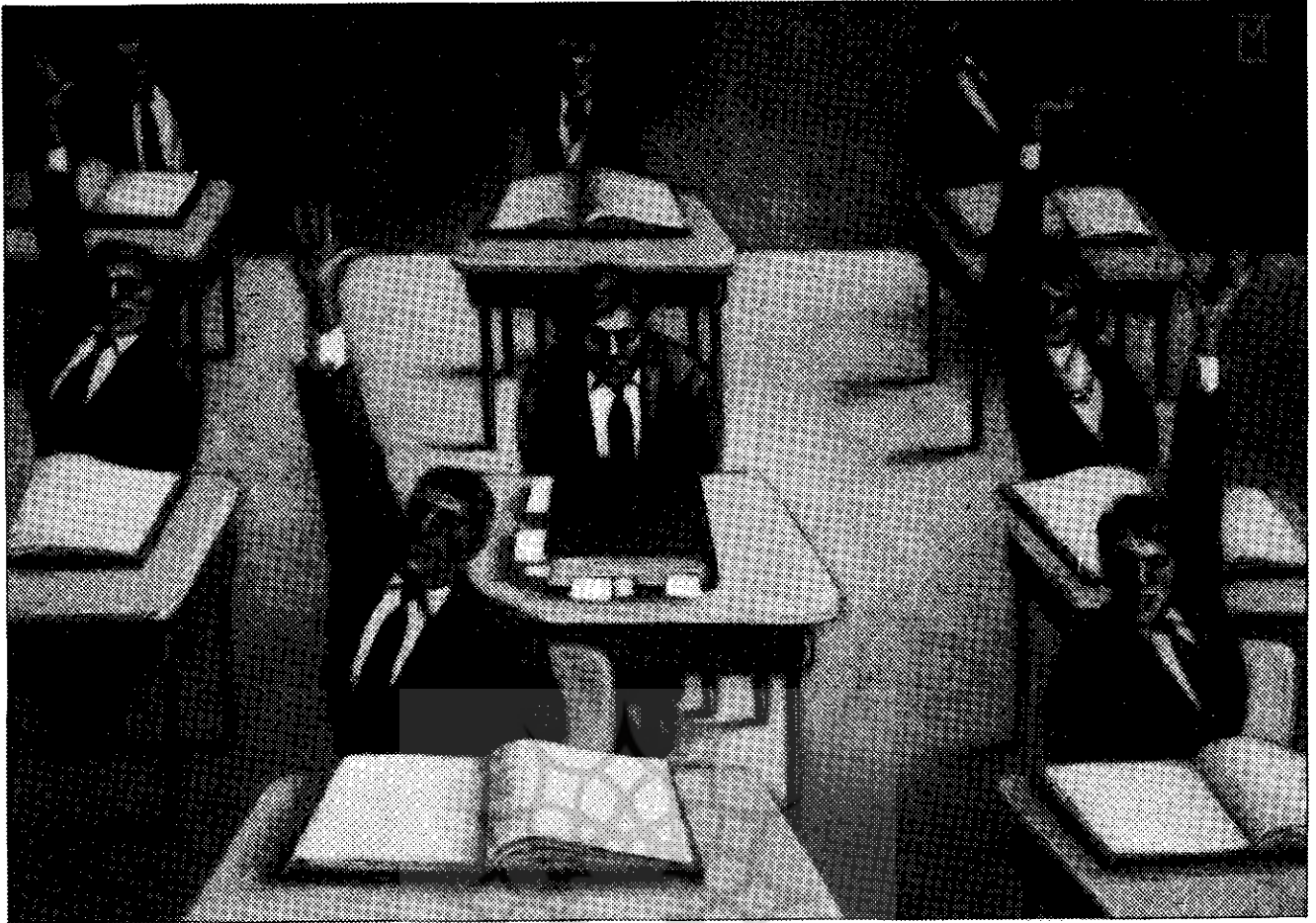
#### اشاره:

از این شماره ماهنامه که نقطه ثقل آن آموزش حسابداری است، برآن شدیم که امتحانات مربوط به کسب عنوان C.P.A که همه ساله توسط انجمن حسابداران خبره آمریکا انجام می شود، را درج کنیم. این امتحانات در ۵ قسمت؛ حسابداری قسمت اول، حسابداری قسمت دوم، تئوری حسابداری، حسابرسی و قانون تجارت انجام می شود که با توجه به حجم زیاد سؤالات، درج یکباره کل آن با توجه به صفحات ماهنامه، میسر نیست. بنابراین سعی می شود بتدریج قسمتهائی از امتحانات مختلف چاپ شود:

قسمت اول امتحان حسابداری خود شامل پنج مجموعه سؤال است، مجموعه شماره ۱ شامل ۲۰ تست چهارجوابی در این شماره از نظر گرامی تان می گذرد. که در پایان این مجموعه پاسخ نامه ای درج شده که چنانچه مایل باشید می توانید آنرا از مجله جدا کرده یا فتوکپی آنرا تهیه نموده، پاسخ های صحیح را در آن درج کرده و همراه با ۵۰۰ ریال تمسیربستی، ظرف ۱۵ روز برای ماهنامه ارسال کنید. این پاسخ ها مورد بررسی قرار می گیرد و با پاسخ های پیشنهادی کمیته برگزار کننده امتحانات مقایسه خواهد شد و به یک نفر از آنها که بهترین نمره را کسب کند، هدیه ای تقدیم می گردد.

• جا دارد از آقای حسن کاشفی پور عضو انجمن حسابداران خبره ایران که اخیراً موفق به کسب عنوان C.P.A گردیده اند، به جهت ارسال متن سؤالات صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

حسابدار



**امتحان حسابداری - قسمت اول - نوامبر ۱۹۸۹**

مجموعه سؤال های شماره ۱ امتحان حسابداری قسمت اول شامل ۲۰ تست چهارجوابی است. بهترین پاسخ را در چارچوب طیف مسائل حسابداری مالی انتخاب کنید. از یک مداد نرم، ترجیحاً نمره ۲ استفاده کرده، دایره مربوط به پاسخ صحیح را در ورقه پاسخ کاملاً سیاه کنید. برای سؤال فقط یک دایره از چهارجواب را سیاه کنید. به تمام سؤالها پاسخ دهید. نمره شما با توجه به جمع پاسخ های صحیح تعیین خواهد شد.

در زیر مثالی برای طرز تنظیم ورقه پاسخ و چگونگی علامت گذاری آن ارائه می شود:

مثال:

۹۷- ناخالص صورتحساب های کالای فروخته شده توسط شرکت بیکر به مشتریان در سال گذشته به ۵,۲۶۰,۰۰۰ دلار بالغ شده است؛ برگشت از فروش و تخفیف در مجموع باعث کاهش ۱۶۰,۰۰۰ دلار در مبالغ دریافتی گردیده است. فروش خالص عبارتست از:

- الف) ۴,۸۰۰,۰۰۰ دلار (ب) ۵,۱۰۰,۰۰۰ دلار  
ج) ۵,۲۰۰,۰۰۰ دلار (د) ۵,۲۶۰,۰۰۰ دلار

**روش صحیح درج پاسخ در ورقه پاسخ**

سؤال	پاسخ
۹۷	<input type="radio"/> د <input type="radio"/> ج <input checked="" type="radio"/> الف <input type="radio"/> ب

بدهکار	بستانکار
دلار	دلار
	فروش خالص
۹۶۰,۰۰۰	قیمت تمام شده کالای فروش رفته
۲۳۵,۰۰۰	هزینه های فروش
۱۵۰,۰۰۰	هزینه های اداری
۲۵,۰۰۰	هزینه بهره (مالی)
۴۰,۰۰۰	تعدیل تغییرات حسابداری در روش استهلاك
	درآمد حاصل از حذف بدهی
۱,۶۱۰,۰۰۰	۱,۶۱۰,۰۰۰

نرخ مالیات بر درآمد شرکت کافی ۳۰٪ است. این شرکت صورتحساب سود و زیان چند مرحله برای سال ۱۹۸۸ تهیه می کند. (Multiple-Step Income Statement)

**سؤال ۱** درآمد حاصل از عملیات قبل از مالیات، عبارتست از:

- الف) ۱۹۰,۰۰۰ دلار (ب) ۲۰۰,۰۰۰ دلار  
ج) ۲۳۰,۰۰۰ دلار (د) ۲۴۰,۰۰۰ دلار

# CPA

سؤال ۲

سود ویژه عبارتست از:

فروش خالص	۱,۳۵۰,۰۰۰
قیمت تمام شده کالای فروش رفته	۱,۰۰۰,۰۰۰
هزینه های فروش، اداری و عمومی	۴۰۰,۰۰۰
هزینه های تحقیق و توسعه	۳۰۰,۰۰۰
هزینه بهره	۱۰۰,۰۰۰

الف) ۱۴۰,۰۰۰ دلار	ب) ۱۶۱,۰۰۰ دلار
ج) ۱۶۸,۰۰۰ دلار	د) ۲۰۰,۰۰۰ دلار

سؤال ۳

شرکت جی در تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۸، یک شرکت فرعی خارجی را تماماً خریداری کرده است. قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه تلفیقی مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ بشرح زیر است:

؟ زیان ویژه شرکت چستر برای دوره اول سپتامبر ۱۹۸۷ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ عبارتست از:

الف) ۵۰,۰۰۰ دلار	ب) ۱۵۰,۰۰۰ دلار
ج) ۳۵۰,۰۰۰ دلار	د) ۴۵۰,۰۰۰ دلار

سهام عادی	۵۰۰,۰۰۰
سرمایه اضافی پرداخت شده	۲۰۰,۰۰۰
سود تقسیم نشده	۹۰۰,۰۰۰
کسر می شود = حساب متقابل	۱,۶۰۰,۰۰۰
جمع حقوق صاحبان سهام	۶۰۰,۰۰۰

سؤالات شماره ۵ تا ۸ بر اساس اطلاعات زیر می باشد:

خلاصه ترازنامه ها و صورتحساب های سود و زیان شرکت دین و شرکت فرعی (مالک ۱۰۰٪) آن، شرکت کی بشرح زیر است.

### ترازنامه ها

در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸		دارائی ها
شرکت دین	شرکت کی	
دلار	دلار	
۴۳۰,۰۰۰	۳۰۰,۰۰۰	دارائی جاری
۳۶۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	زمین، ساختمان و تأسیسات (خالص)
۶۵۰,۰۰۰	—	سرمایه گذاری در شرکت فرعی (بروش حقوق صاحبان سهام)
۱,۴۴۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	جمع دارائی ها

مانده حساب متقابل عمدتاً مربوط است به تعدیلات در تبدیل نرخ ارز در صورتحساب های مالی شرکت فرعی به دلار آمریکا. صورتحساب سود و زیان تلفیقی برای سال ۱۹۸۸ شامل افزایش هزینه سرمایه گذاری ها در اوراق بهادار قابل فروش نسبت به قیمت بازار آنها می باشد که موقتی تلقی می شود:

سرمایه گذاریهای غیرجاری	۲۰۰,۰۰۰ دلار
سرمایه گذاری های جاری	۱۰۰,۰۰۰ دلار

### بدهی ها و حقوق صاحبان سهام

بدهی جاری	۱۳۰,۰۰۰	۱۴۰,۰۰۰
سهام عادی (قیمت اسمی ۱۰ دلار)	۳۲۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
سرمایه اضافی پرداختی	۳۷۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰
سود تقسیم نشده	۶۲۰,۰۰۰	۲۸۰,۰۰۰
جمع حقوق صاحبان سهام	۱,۳۱۰,۰۰۰	۵۶۰,۰۰۰
جمع بدهی ها و حقوق صاحبان سهام	۱,۴۴۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰

؟ — مبالغ صحیح سود تقسیم نشده و حساب متقابل در صورت تلفیقی حقوق صاحبان سهام برای سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ عبارتست از:

الف) ۹۰۰,۰۰۰	سود تقسیم نشده	۶۰۰,۰۰۰	حساب متقابل
ب) ۱,۰۰۰,۰۰۰	سود تقسیم نشده	۷۰۰,۰۰۰	حساب متقابل
ج) ۱,۱۰۰,۰۰۰	سود تقسیم نشده	۸۰۰,۰۰۰	حساب متقابل
د) ۱,۲۰۰,۰۰۰	سود تقسیم نشده	۹۰۰,۰۰۰	حساب متقابل

سؤال ۴

شرکت چستر از بدو تأسیس در اول سپتامبر ۱۹۸۷ تا آخر دسامبر ۱۹۸۸ در حال تکمیل و توسعه بوده است. اطلاعات زیر از ثبت های حسابداری شرکت چستر در دوره مزبور استخراج شده است.

# CPA

## صورت‌حساب‌های سود و زیان

برای سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸

شرکت دین	شرکت کی	
دلار	دلار	
۱,۱۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۰۰۰	فروش
۷۷۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	قیمت تمام شده کالای فروش رفته
۳۳۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰	سود ناویژه
۱۲۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	سایر هزینه‌های عملیاتی
۲۱۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	سود عملیاتی
۶۰,۰۰۰	—	سهم سود در شرکت کی
۲۷۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	سود قبل از کسر مالیات فدرال
۷۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	ذخیره مالیات بر درآمد فدرال
۲۰۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰	سود خالص (ویژه)

## سؤال ۶

در ترازنامه تلفیقی مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ شرکت دین، چه مبلغی بعنوان جمع دارائیهای تلفیقی باید نشان داده شود؟

الف) ۲,۱۴۰,۰۰۰ دلار	ب) ۱,۵۸۰,۰۰۰ دلار
ج) ۱,۴۹۰,۰۰۰ دلار	د) ۱,۴۴۰,۰۰۰ دلار

## سؤال ۷

در ترازنامه تلفیقی مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ شرکت دین، چه مبلغی بعنوان جمع سود تقسیم نشده باید نشان داده شود؟

الف) ۶۲۰,۰۰۰ دلار	ب) ۶۸۰,۰۰۰ دلار
ج) ۶۹۰,۰۰۰ دلار	د) ۹۰۰,۰۰۰ دلار

## سؤال ۸

در صورت‌حساب سود و زیان تلفیقی سال ۱۹۸۸ شرکت دین، چه مبلغی بعنوان استهلاك سرقفلی بایستی منظور گردد؟

الف) — دلار	ب) ۶,۰۰۰ دلار
ج) ۹۰۰۰ دلار	د) ۱۰,۰۰۰ دلار

## سؤال ۹

قسمت دارائی‌های جاری تبدیل نشده و قسمت حقوق صاحبان سهام در ترازنامه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ شرکت ماگنولیا بشرح زیر است:

دلار	دارائی جاری:
۳۰,۰۰۰	— موجودی نقد
	— اوراق بهادار (شامل ۱۵۰,۰۰۰ دلار
۲۰۰,۰۰۰	سهم عادی شرکت ماگنولیا)
۱۷۰,۰۰۰	— حسابهای دریافتی تجاری
۷۴,۰۰۰	— موجودی‌های جنسی
<u>۴۷۴,۰۰۰</u>	
	<b>حقوق صاحبان سهام:</b>
۱,۱۱۲,۰۰۰	— سهم عادی
(۱۱۲,۰۰۰)	— مانده حساب سود (زیان)
<u>۱,۰۰۰,۰۰۰</u>	

## اطلاعات اضافی

- در اول ژانویه ۱۹۸۸، شرکت دین صد درصد سهام عادی شرکت کی را به ۶۰۰,۰۰۰ دلار خریداری کرد. (بهای اسمی هر سهم ۱۰ دلار). در آن تاریخ، قیمت عادلانه دارائی‌ها و بدهیهای شرکت کی به ترتیب ۶۶۰,۰۰۰ دلار و ۱۶۰,۰۰۰ دلار بود. شرکت دین دارائیهای نامشهود را بر روش ۱۰ ساله مستقیم مستهلک می‌نماید مگر اینکه عمر مشخص برای آن قابل تعیین باشد.
- طی سال ۱۹۸۸، دین وکی به ترتیب سود سهامی معادل ۵۰,۰۰۰ دلار و ۱۰,۰۰۰ دلار پرداخته‌اند. از لحاظ مالیاتی، فرض کنید شرکت دین روی سود دریافتی از شرکت کی مالیات نمی‌پردازد.
- معاملات بین شرکتی دیگری غیر از دریافت سود توسط شرکت دین از شرکت کی وجود نداشته است.
- در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۸، شرکت دین ۲۰۰ سهم از سهام عادی را هر سهم ۱۷ دلار بفروش رسانیده است و غیر از این مورد، تغییر دیگری در سهام عادی این شرکت‌ها رخ نداده است.

## سؤال ۵

در صورت حساب سود و زیان تلفیقی سال ۱۹۸۸ شرکت دین، چه مبلغی باید بعنوان سود خالص تلفیقی نشان داده شود؟

الف) ۱۱۰,۰۰۰ دلار	ب) ۲۰۰,۰۰۰ دلار
ج) ۲۱۰,۰۰۰ دلار	د) ۲۷۰,۰۰۰ دلار

• روش حقوق صاحبان سهام Equity Method به نقل از فرهنگ حسابداران، ترجمه دکتر مهدی تقوی، صفحه ۱۳۳ عبارتست از روشی که در آن سرمایه‌گذاری در شرکت فرعی ابتدا به بهای تمام شده ثبت شده و پس از آن ارزش دفتری برای نشان دادن سهم شرکت سرمایه‌پذیر از سود و زیان محاسبه شده تلفیقی اصلاح می‌گردد. (م)

# CPA

## سؤال ۱۲

شرکت توپین مبلغ ۱۶۰,۰۰۰ دلار صرف تحقیق و توسعه محصولی نمود که در دوم ژانویه ۱۹۸۳ حق انحصاری تولید آنرا بدست آورد. هزینه های قانونی و سایر هزینه های ثبت این حق به مبلغ ۳۰,۰۰۰ دلار بالغ گردید. در ۳۱ مارس ۱۹۸۸، شرکت مبلغ ۴۵,۰۰۰ دلار هزینه قانونی برای یک دفاع موفق از این حق خود نمود.

جمع مبلغ سرمایه گذاری شده برای این حق در ۳۱ مارس ۱۹۸۸ عبارتست از:

الف) ۷۵,۰۰۰ دلار	ب) ۱۹۰,۰۰۰ دلار
ج) ۲۰۵,۰۰۰ دلار	د) ۲۳۵,۰۰۰ دلار

## سؤال ۱۳

شرکت هارک، امتیازی را از شرکت فرد در تاریخ اول ژانویه ۱۹۸۸ مبلغ ۲۰۴,۰۰۰ دلار خریداری کرد. یک مشاور مستقل، عمر مفید این امتیاز را ۵۰ سال برآورد نموده است. هزینه مستهلک نشده این امتیاز در دفاتر شرکت فرد در اول ژانویه ۱۹۸۸ مبلغ ۶۸,۰۰۰ دلار است. شرکت هارک تصمیم دارد این امتیاز را در حداکثر زمان ممکن مستهلک نماید؟ مبلغ استهلاک برای سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ عبارتست از:

الف) ۵,۱۰۰ دلار	ب) ۴,۰۸۰ دلار
ج) ۴,۰۰۰ دلار	د) ۱,۷۰۰ دلار

## سؤال ۱۴

شرکت پام دارای ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار اسناد پرداختی به سرسید ۱۵ ژوئن ۱۹۸۹ می باشد. در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸، شرکت پام موافقتنامه استقراض بلندمدتی را به مبلغ حداکثر ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار امضا نمود که بتواند اسناد پرداختی فوق را تأمین مالی کند. در قرارداد ذکر شده است که مبلغ وام از ۸۰٪ ارزش وثیقه بیشتر نخواهد بود. در تاریخ تهیه صورت های مالی ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، ارزش وثیقه ۱,۲۰۰,۰۰۰ دلار بود که پیش بینی نمی شود در سال ۱۹۸۹ کاهش یابد.

— در ترازنامه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، شرکت پام اسناد پرداختی خود را بر اساس کدام انتخاب زیر طبقه بندی خواهد کرد؟

بدهی بلندمدت	بدهی کوتاه مدت
الف) —	—
ب) ۹۹۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰
ج) ۸۰۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰
د) —	۱,۰۰۰,۰۰۰

## سؤال ۱۵

شرکت بیسی تعیین کرده است که در رابطه با منافع کارکنان شرکت، با بت

• سرمایه گذارها و موجودیهای جنسی به قیمت تمام شده که نزدیک قیمت بازار است، نشان داده شده است.

؟ — در صورت حساب تغییرات در حقوق صاحبان سهام، جمع مبلغ حقوق صاحبان سهام عبارتست از:

الف) ۸۵۰,۰۰۰ دلار	ب) ۹۶۲,۰۰۰ دلار
ج) ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار	د) ۱,۱۱۲,۰۰۰ دلار

سوالات ۱۰ و ۱۱ بر اساس اطلاعات زیر است:

در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، شرکت ساکس در شرکت پودغام شد. به منظور ادغام، شرکت پودبجای کل سهام شرکت ساکس ۲۰۰,۰۰۰ سهم (به قیمت اسمی هر سهم ۱۰ دلار) و به قیمت بازار هر سهم ۱۸ دلار منتشر نمود. قسمت حقوق صاحبان سهام ترازنامه های دو شرکت بلافاصله قبل از ادغام عبارت بود از:

شرکت پو	شرکت ساکس
سهام عادی	
سرمایه اضافی پرداختی	
سود تقسیم شده	
دلار	دلار
۳,۰۰۰,۰۰۰	۱,۵۰۰,۰۰۰
۱,۳۰۰,۰۰۰	۱۵۰,۰۰۰
۲,۵۰۰,۰۰۰	۸۵۰,۰۰۰
۶,۸۰۰,۰۰۰	۲,۵۰۰,۰۰۰

## سؤال ۱۰

فرض کنید ادغام بروش «خرید» عمل شود. در ترازنامه تلفیقی مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، سرمایه اضافی پرداختی عبارتست از:

الف) ۹۵۰,۰۰۰ دلار	ب) ۱,۳۰۰,۰۰۰ دلار
ج) ۱,۴۵۰,۰۰۰ دلار	د) ۲,۹۰۰,۰۰۰ دلار

## سؤال ۱۱

فرض کنید ادغام بروش «تمرکز منافع Pooling of Interests» انجام گردد. در ترازنامه تلفیقی مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، سرمایه اضافی پرداختی عبارتست از:

الف) ۹۵۰,۰۰۰ دلار	ب) ۱,۳۰۰,۰۰۰ دلار
ج) ۱,۴۵۰,۰۰۰ دلار	د) ۲,۹۰۰,۰۰۰ دلار



۱۷- در ترازنامه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، مبلغ هزینه بهره معوق عبارتست از:

از:

الف) ۲,۵۰۰ دلار	ب) ۵,۰۰۰ دلار
ج) ۷,۵۰۰ دلار	د) ۱۰,۰۰۰ دلار

### سؤال ۱۸

شرکت جبری که سهامش توسط عموم مردم معامله می‌شود، یک طرح بازنشستگی با مزایای تعریف شده غیر مشارکتی (noncontributory defined benefit pension plan) برای کارکنان خود تهیه کرده است. آمارگر شرکت اطلاعات زیر را برای سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ تهیه کرده است:

دلار	
۴۰۰,۰۰۰	ذخیره مزایای پیش بینی شده
۳۵۰,۰۰۰	ذخیره انباشته مزایا
۴۱۰,۰۰۰	دارائتی طرح (ارزش عادلانه)
۱۲۰,۰۰۰	هزینه خدمات
۱۲,۰۰۰	بهره ذخیره مزایای پیش بینی شده
۳۰,۰۰۰	استهلاک هزینه خدمات قبلی شناسایی نشده
۴۱,۰۰۰	برآورد بازده دارائیهای طرح

● ارزش عادلانه دارائتی طرح معادل ارزش روز معاملاتی آن است. سهم مزایای تعیین شده طرح معادل مبلغ هزینه دوره‌ای طرح در سال قبل بوده است. سهمی برای هزینه‌های طرح در سال ۱۹۸۸ در نظر گرفته نشده است.

۱۸- در ترازنامه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، شرکت جبری برای هزینه‌های طرح چه مبلغی را باید ذخیره کند؟

الف) ۲۰۳,۰۰۰ دلار	ب) ۱۶۲,۰۰۰ دلار
ج) ۱۲۱,۰۰۰ دلار	د) ۱۰۹,۰۰۰ دلار

### سؤال ۱۹

در یکی از ایالات، تسلیم اظهارنامه فصلی مالیات فروش به اداره مالیات بر فروش حداکثر تا بیستمین روز پس از پایان هر فصل الزامی است. اما، طبق مقررات ایالتی، مالیات‌های جمع‌آوری شده بشرطی که مبلغ آن از ۵۰۰ دلار تجاوز کرده باشد، حداکثر تا بیستمین روز پس از پایان هر ماه باید واریز گردد. این پرداختها علی الحساب مالیات‌های فصلی فروش تلقی خواهد شد.

● شرکت تانت یک مغازه خرده‌فروشی سخت‌افزار دارد. تمام اقلام فروش مشمول نرخ ۶٪ مالیات فروش ایالتی است، که شرکت تانت آنرا دریافت کرده و در حساب درآمد فروش ثبت می‌کند. مالیات فروش پرداخت شده توسط شرکت تانت نیز بهمین حساب به‌هنگار می‌گردد. شرکت در زمان مقرر، مالیات مربوطه را می‌پردازد.

بقیه در صفحه ۶۴

پرداخت غرامت ایام فقدان آن منافع و نسبت به خدمات انجام شده آنان تاکنون یک بدهی بعنوان «وجوه جبرانی» وجود دارد این بدهی انباشته می‌گردد و پرداخت آن محتمل است. برآورد منصفانه این بدهی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ عبارتست از:

حق مرخصی	۹۰,۰۰۰ دلار
حق بیماری	۶۰,۰۰۰ دلار

۱۹- در ترازنامه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ شرکت سیسی، چه مبلغی باید تحت عنوان ذخیره جبرانی، در نظر گرفته شود؟

الف) - دلار	ب) ۶۰,۰۰۰ دلار
ج) ۹۰,۰۰۰ دلار	د) ۱۵۰,۰۰۰ دلار

### سؤال ۲۰

شرکت فیسی به متصدیان فروش خود حقوق ماهانه ثابت و کمیسیون روی فروش خالص آنان می‌پردازد. کمیسیون فروشن ماهانه محاسبه شده و در ماه بعد پرداخت می‌گردد و حقوق ثابت بعنوان مساعده در مقابل کمیسیون عمل می‌شود. اما، اگر حقوق ثابت از کمیسیون مربوط به همان ماه بیشتر باشد، مابه‌التفاوت برگشت نمی‌شود. اطلاعات مرتبط برای ماه مارس ۱۹۸۸ سه نفر از این متصدیان عبارتست از:

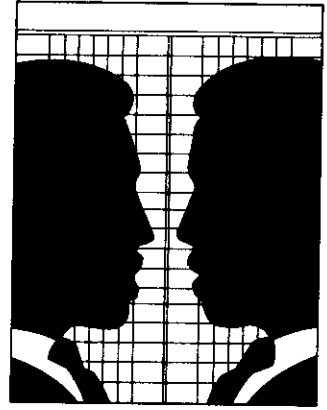
متصدی فروش	حقوق ثابت	خالص فروش	نرخ کمیسیون
الف	دلار ۱۰,۰۰۰	دلار ۲۰۰,۰۰۰	۴٪
ب	دلار ۱۴,۰۰۰	دلار ۴۰۰,۰۰۰	۶٪
ج	دلار ۱۸,۰۰۰	دلار ۶۰۰,۰۰۰	۶٪
	دلار ۴۲,۰۰۰	دلار ۱,۲۰۰,۰۰۰	

۲۰- مبلغ قابل پرداخت برای کمیسیون فروش، قابل عمل در پایان مارس ۱۹۸۸ عبارتست از:

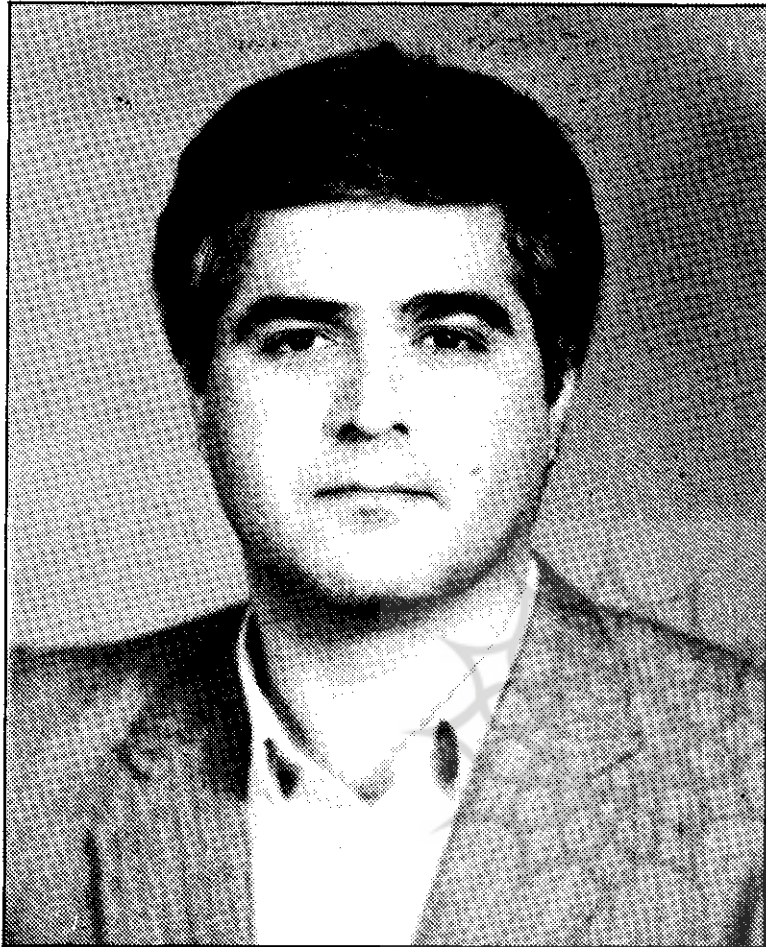
الف) ۷۰,۰۰۰ دلار	ب) ۶۸,۰۰۰ دلار
ج) ۲۸,۰۰۰ دلار	د) ۲۹,۰۰۰ دلار

### سؤال ۲۱

در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ شرکت وال معادل ۱۰۰,۰۰۰ دلار اوراق قرضه ۱۰٪ صادر نمود و آنرا به ۱۰۰,۰۰۰ دلار بفروش رسانید. تاریخ اوراق ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ و سررسید آن ۳۱ دسامبر ۱۹۹۸ می‌باشد. بهره دوبار در سال در تاریخ‌های ۳۰ ژوئن و ۳۰ دسامبر پرداخت می‌شود.



مصاحبه



تهیه و تنظیم: محمد شلیله

## آموزش و کاربرد «مدیریت مالی» در ایران

علم یا فن «مدیریت مالی» با وظیفه تأمین منابع مالی مؤسسات اقتصادی و استفاده بهینه از این منابع به حکم تجربه ای که از کاربرد آن در کشورهای پیشرفته به دست آمده است، می تواند نقش مؤثری در کارایی (efficiency) و اثربخشی (effectiveness) مالی مؤسسات اقتصادی داشته باشد. حال آنکه علیرغم سالهای زیادی که از آموزش این مقوله به دانشجویان رشته های مالی در دانشگاه های ایران می گذرد، تاکنون در عمل به درستی بکار گرفته نشده یا بکار نیامده است که این چگونگی ممکن است منبعت از نحوه آموزش آن یا ناشی از واقعیت های فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی ما بوده یا معلول آمیزه ای از این علل باشد. ما در این گفتگو کوشیده ایم که به بررسی این چگونگی بپردازیم و به انتظار نظر خوانندگان صاحب نظر خود در این زمینه بنشینیم.

شلیله: از شما به خاطر موافقت با انجام شدن این مصاحبه بسیار سپاسگزارم و تقاضا دارم قبل از پرداختن به موضوعات مورد نظر، پیشینه شغلی و تحصیلی خودتان را برای آشنایی بیشتر خوانندگان ما توضیح بفرمایید.

جهانخانی: سال ۱۳۴۷ از دبیرستان شرف تهران دیپلم ریاضی گرفتم و در همان سال در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران قبول شدم. سال ۱۳۵۱ از این دانشکده فارغ التحصیل شدم و همان سال برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم. سال ۱۹۷۴ فوق لیسانس مدیریت بازرگانی را به پایان رسانیدم و پس از آن در دانشگاه میسوری کلمبیا به تحصیل در دوره

دکتر آدامه دادم که گرایش اصلی من در مدیریت مالی (Finance) یعنی همان رشته تخصصی من در فوق لیسانس بود تا به اخذ درجه دکتری در این رشته نائل آیدم. از همان آغاز ورود به این رشته به آن علاقه مند شدم علاقه من در زمینه ارزیابی سهام و به اصطلاح ریسک سرمایه گذاری روزافزون بود. در هر یک از این زمینه ها تحقیقات فشرده ای را شروع کردم و موفق شدم در سال ۱۹۷۶ یک پروژه تحقیقاتی در زمینه مقایسه دو مدل اندازه گیری ریسک را به پایان برسانم و نتیجه طی مقاله ای در مجله علمی Financial and Quantative Analysis در سال ۱۹۷۶ به چاپ رسید. سال ۱۹۷۷ که تحصیلات من در دوره دکتری پایان یافت در دانشگاه ایلینوی در شهر اوربانا به عنوان استادیار به تدریس مشغول شدم و در همین دانشگاه تحقیقاتم را در زمینه سرمایه گذاری (Investment) ادامه دادم و در فاصله سالهای ۷۷ تا ۸۰ چند مقاله دیگر نیز در زمینه ریسک و کاربرد آن در ارزیابی اوراق بهادار نوشتم که برخی از آنها در مجله های مختلفی مانند Journal of Financial Research و Journal of Bank, Financial Management Journal Research به چاپ رسید. سال ۱۹۸۰ یعنی یک سال پس از پیروزی انقلاب به ایران آمدم و به عنوان استادیار در دانشگاه علامه طباطبائی آغاز به کار کردم. مشارکت انقلاب فرهنگی و در پی تعطیل دانشگاه به وزارت صنایع آمدم و با سازمان صنایع ملی ایران شروع به همکاری کردم و تا سال ۱۳۶۳ که دانشگاه ها مجدداً بازگشایی شد، بیشتر در زمینه های مالی شرکتهای تحت پوشش یا این سازمان همکاری داشتم که پس از این تدریس در دانشگاه ها را نیز علاوه بر همکاری با سازمان صنایع ملی ایران، از سر گرفتهم تا آنکه چند سالی است به طور تمام وقت با دانشگاه ها همکاری می کنم و در زمان حاضر هم با سمت سرپرست دانشکده علوم اداری در دانشگاه شهید بهشتی به کار تدریس و جز آن اشتغال دارم.

**شلیله: من ترجیح می دهم از شما که متخصص مدیریت مالی با آن تعبیری که ما از Finance فرهنگی داریم، هستیم و کار اجرایی هم در این زمینه داشتید خواهش کنم تصویری از واقعیت کاربرد این رشته در ایران و در دوران اخیر ارائه فرمایید.**

جهانخانی: اجازه بدهید من ابتدا تعریف مختصری از مدیریت مالی (Finance) را ارائه بدهم و بعد هم از مدیریت سرمایه گذاری (Investment). مدیریت مالی (Finance یا Corporate Finance) علم یا فنی است که در آن شیوه های تأمین منابع مالی (جذب وجوه و سرمایه)، بکارگیری و سرمایه گذاری این منابع و ارزیابی مالی سرمایه گذاریها، مدیریت اقلام مختلف داراییها، اعم از وجوه نقد و اوراق بهادار، موجودی کالا و داراییهای ثابت مورد بررسی قرار می گیرد. مدیریت سرمایه گذاری (Investment) نیز علم یا فنی است که به بررسی شیوه های سرمایه گذاری در اوراق بهادار مؤسسات دولتی و

خصوصی می پردازد. در این مقوله همچنین انواع اوراق بهادار، بازارهایی که اوراق بهادار در آن معامله می شود و نحوه ارزیابی اوراق بهادار مورد توجه قرار می گیرد. با سود جستن از روشهای این دانش می توان دریافت کسی که پول می دهد و یک ورقه کاغذی به نام سهم دریافت می کند، این ورقه کاغذ چه ارزشی دارد و ارزش آن چگونه تعیین می شود و به هر صورت مسایل متعددی در این مقوله روشن می شود. مدیریت سرمایه گذاری رشته ای است که رو به گسترش است و هر سال با اوراق بهادار جدیدی که در دنیا عرضه می شود، وسعت این رشته هم زیادتر می شود؛ اوراق بهادار جدیدی مانند اختیار خرید سهم (Option)، قراردادهای آتی (Contract Future) و اوراق بهادار مشتق (Derivative Securities) رشته مدیریت مالی در ایران در سطح دانشگاه ها سالهاست که به طور نسبی شناخته شده است و تدریس می شود. اما (در مورد) کاربرد مدیریت مالی یا سرمایه گذاری در ایران باید گفت که اگر چه اکثر مؤسسات اقتصادی، مشاغل و عناوینی مانند مدیر مالی دارند، اما به دلایل زیادی آنان نقش اصلی خود را ایفا نمی کنند و معمولاً وظایفی را که به عهده حسابداران محول است، انجام می دهند؛ یعنی کار اصلی مدیران مالی ما، تهیه صورتهای مالی و ارائه آنها به هیئت مدیره مؤسسه است. در حالی که مدیر مالی یک کشور صنعتی بیشتر وقتش صرف بررسی و آشنایی با تحولات بازار سرمایه است. او همواره مترصد است که از چه نوع اوراق بهاداری، در چه زمانی استفاده بکند، به نفع مؤسسه اوست. دلیل این تفاوت هم واضح است. در کشورهای صنعتی تأمین مالی مؤسسات بیشتر از طریق انتشار سهام یا اوراق قرضه و فروش آنها در بازار سرمایه توسط مؤسسات مالی حرفه ای انجام می گیرد. اما در ایران وضع از این جهت کاملاً متفاوت است. در ایران اولین منبع تأمین مالی مؤسسات، سرمایه مؤسسين است و بعد از این بیشترين سهم در تأمین مالی مؤسسات از آن بانکهاست که از طریق اخذ وام صورت می گیرد و یا افزایش سرمایه و گرفتن وجوه بیشتر از سهامداران. در زمان حاضر در دنیا مردم به صورت مستقیم در سرمایه گذاریها مشارکت می کنند و تأمین مالی شرکتها، شاید با مشارکت هزاران یا دهها هزار سرمایه گذار ریز و درشت از طریق فروش اوراق بهادار به آنها انجام می گردد.

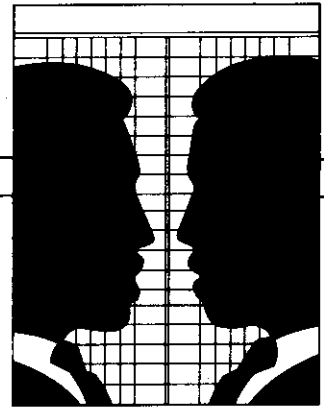
اما در ایران تأمین کنندگان سرمایه مؤسسات به چند نفر سهامدار و یک یا دو بانک محدود می شود. بنابراین مدیران مالی مؤسسات ایرانی نیاز چندانی به شناخت بازار سرمایه و مکانیزمهای آن احساس نمی کنند. همچنین در مورد بخش دوم تعریف مدیریت مالی یعنی نظارت بر مصرف وجوه و منابع مالی هم، متأسفانه چون اغلب سرمایه گذاریها بدون حضور و مشورت مدیران مالی انجام می شود. در نتیجه اساساً کاربرد روشهای نظارت بر مصرف وجوه و منابع، تحقق پیدا نمی کند. تصمیمات سرمایه گذاری در مؤسسات ایران متأسفانه بر اساس بررسیهای دقیق مالی صورت نمی گیرد و این تصمیمات متکی بر مطالعات و بررسیهای مدیران میانی نیست؛ بلکه

مدیران عالی و مقامات بالای مؤسسات تحت تأثیر عوامل دیگری راساً در این موارد تصمیم گیری و آنرا به ارکان مؤسسه دیکته می کنند. نتیجه آنکه نه هیچگاه ضرورت این بررسیها برای مدیر مالی پیش می آید و نه چون نیازی به این کار نبوده است، آنان به دنبال کسب تخصص و تحصیل تجربه در این زمینه ها می روند و چنانچه استثنائاً مدیر مالی مؤسسه هم این انتظار را داشته باشد، قاعدتاً مدیر مالی از برآوردن آن عاجز خواهد بود. چرا که تمرین و تجربه نکرده است و با این کار آشنا نیست. البته به نظر بنده با توجه به روند رو به گسترش بازار سرمایه در ایران، در آینده استفاده از تکنیکهای مدیریت مالی امری ضروری خواهد بود.

**شلیله: دلایل جنبه مالی در مورد استفاده نکردن از تکنیکهای مدیریت مالی در ایران در مورد تأمین منابع مالی و سرمایه جای سؤال باقی نمی گذارد و کاملاً واضح و روشن است که سرمایه گذاران در این موارد بیشتر از شرم تجاری خودشان کمک می گیرند. اما در مورد اداره منابع مالی و داراییها من فکر می کنم، به طور طبیعی سرمایه گذار باید در نحوه استفاده بهینه از منابع و حفاظت از آن، بسیار دقیق و جدی باشد. در حالی که در این بخش هم ما ضعیف و کاملاً بی توجهیم و بنظر می رسد آنچه تحت عنوان مدیریت مالی از آن صحبت به میان آمد، در ایران کارایی و کاربرد ندارد. اولاً ما بایم دلایل این امر را روشن بفرمایید و سؤال دیگر اینکه آنچه شما اشاره فرمودید که در ایران مدیر مالی را در تصمیم گیریها شرکت نمی دهند، این در واقع معلول است، و قاعدتاً این مسئله باید علت زیربنایی تری داشته باشد و سرانجام به نظر می رسد که توجه نکردن به این ملاحظات بسیار اساسی باعث تحمیل خسارتهای و زیانهای مشهود و نامشهود به مؤسسات اقتصادی و به جامعه باشد و انگار می توان انتظار داشت که دانشگاه ها با تحقیقات بنیادی، آثار و عواقب این بی توجهی ها و سهل انگاریها را نشان دهند، تا مگر هشداری به اقتصاد ما باشد و پرسش دیگر من اینکه آیا چنین اقداماتی صورت گرفته است؟ یا پیش بینی هایی در این موارد انجام شده است یا نه؟**

جهانخانی: همان طور که شما اشاره کردید سرمایه گذار علاقه مند است که از بازیافت وجوهی که سرمایه گذاری کرده است، اطمینان نسبی داشته باشد. و به تحصیل سود معقول و متناسب با ریسک سرمایه گذاری امیدوار باشد. و این اعتماد و اطمینان را از طریق تجزیه و تحلیل مالی پروژه ها می توان به دست آورد کار مدیر مالی دقیقاً همین است. او پیش بینی می کند که برای احداث یک کارخانه چه مقدار وجوه باید صرف کرد و از این مقدار چقدر آن بابت تحصیل دارایی با سرمایه ثابت است و چه مقدار بابت سرمایه در گردش و بعد از این درصد پیش بینی منافع یا عایدات یا





## مصاحبه

سرمایه گذاری کند و از نزدیک شدن به هر چیزی که به جریانات بورکراتیک وابستگی داشته باشد، احتراز کند. اگر این موانع برداشته شود فقط یک سری ضوابط و کنترل‌های عام که حفاظت از منافع جامعه آن را ایجاب می‌کنند، جایگزین آن گردد، آنگاه احتمال دارد که کارآیی مالی و اقتصادی جامعه را بتوانیم تا حد قابل ملاحظه بالا ببریم.

جهان‌خانی همان‌طور که شما اشاره کردید، بازار سرمایه در ایران به اندازه کشورهای صنعتی، تکامل پیدا نکرده است که یک علت آن هم به فرهنگ ما مربوط می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق مردم ما، هیچ‌گونه اطلاعی از اوراق بهادار و اینکه چه امتیازات و مخاطراتی ممکن است بر آنها مترتب باشد، ندارند. بنابراین یکی از علل رشد نکردن بازار سرمایه این است که در این زمینه کار فرهنگی، تبلیغاتی و آموزشی انجام نگرفته است و آن‌عده هم که پس‌اندازی دارند و علاقه‌مندند که این مبالغ را سرمایه‌گذاری کنند، ترجیح می‌دهند که به روش‌های سنتی و معمول جامعه این کار را انجام بدهند. که این روش‌ها هم در خرید و فروش زمین، ساختمان، ملک، طلا و غیره خلاصه می‌شود. چون سرمایه‌گذار ایرانی می‌خواهد عین ارزش دارایی خود را با چشم ببیند و بتواند برآورد محسوسی از میزان آن داشته باشد و از این رو ساختمان را با زیربنای آن و طلا و سکه را با وزن آن می‌تواند درک کند. در حالی که در مورد سهام و اوراق بهادار اساس ارزش سهم از نظر او قابل رویت نیست، مضافاً آنکه ارزش سهام تا حد زیادی به عایدات و منافعی که در آینده ممکن است به آن تعلق بگیرد، بستگی دارد. و چون مردم ما به خاطر کمبود اطلاعات قادر نیستند منافع آتی را تخمین بزنند و روی آن حساب کنند، بنابراین هیچ‌گاه به سوی چنین کاری روی نیاورده‌اند. حتی کسانی که در زمان حاضر به سرمایه‌گذاری در سهام علاقه نشان می‌دهند، بیشتر سهام را با انگیزه سفته‌بازی می‌خرند و در واقع سهم را نمی‌خرند که از منافع آتی آن استفاده کنند، بلکه سهم را می‌خرند که چند روز بعد آن را به قیمت گرانتر بفروشند. یعنی به سهم به عنوان یک کالا مانند زمین نگاه می‌کنند، که اگر بخرند ممکن است گرانتر بفروشند و در این صورت، یعنی تا زمانی که مردم با واقعیت سهم آشنا نشوند، مؤسسات اقتصادی نمی‌توانند با فروش اوراق بهادار به مردم به تأمین منابع مالی و سرمایه‌ای اقدام کنند. مسئله دیگر این است که سهولت تأمین مالی از طرق دیگر توسط شرکتها مانند بانکها آنها را از استفاده از روش‌های دیگری نیاز می‌کند. چرا که این روش برای آنها هم ساده‌تر و هم ارزانتر است و بدیهی است که وقتی بانکها با دادن اعتبار بسیار بالا به مؤسسات و گرفتن بهره دوازده درصد، نقش تأمین‌کننده مناسب مالی مؤسسات را ایفا می‌کنند، چرا باید انتظار داشت که مؤسسات اقتصادی رو به سوی روش‌هایی بیاورند که هم پیچیده‌تر و هم احتمالاً گرانتر است، ما وقتی که نسبت بدهی مؤسسات اقتصادی ایرانی را با مؤسسات مشابه خارج از ایران مقایسه کنیم،

خواهیم دید که تفاوت بسیار فاحشی را نشان خواهد داد؛ یعنی به مراتب بیشتر است. بنابراین هم از لحاظ عرضه و هم از لحاظ تقاضا محیطی که باعث رشد و تکامل بازار سرمایه ایران باشد، وجود ندارد.

**شلیله:** آقای دکتر اگر موافق باشید، ابتدا تعریفی از بازار سرمایه تکامل یافته ارائه بفرمایید و به دنبال آن مقایسه‌ای بین چنین بازاری و بازار سرمایه در ایران داشته باشیم.

جهان‌خانی: از دیدگاه نظری و بنا به نظریه‌های مالی - اقتصادی اگر وجود چند شرط در یک بازار سرمایه احراز گردد. ما بر آن بازار، بازار تکامل یافته اطلاق می‌کنیم. به عبارت دیگر، اگر سرمایه به عنوان یک منبع محدود در هر کشور یا بازار آن، به نحو مناسب و مطلوب اختصاص یابد، یعنی سرمایه در جایی بکار گرفته شود که بیشترین بازده اقتصادی را برای مردم آن جامعه داشته باشد، از آن بازار با نام بازار بالنسبه تکامل یافته ( Perfect Capital Market ) یا بازار کارآ ( Efficient Capital Market ) یاد می‌کنیم. که چنین بازاری دارای دو صفت بارز است: نخست اینکه در چنین بازاری باید مانعی برای سرمایه‌گذاری وجود نداشته باشد، مانند مانع مالیاتی یا هزینه انجام دادن معامله تا مردم بتوانند بدون تحمل هزینه و بدون وجود مانع اوراق بهادار را با یکدیگر معامله و مبادله کنند و صفت دیگر این بازار، موجود بودن اطلاعات کامل نزد همگان است. یعنی برای همه مردم آن کشور دسترسی به اطلاعات شرکتها و اوراق بهاداری که در بازار معامله می‌شود، امکان‌پذیر باشد. در زمان حاضر در دنیا تا حد زیادی مسئله اطلاعات ( Information ) حل شده است و هم شرکتها موظف هستند که اطلاعات را سریع افشا کنند و هم اینکه کامپیوترها، سیستم‌های اطلاعاتی و مخابراتی در کشورهای صنعتی به قدری پیشرفت کرده که در اسرع وقت اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران را در اختیار آنان قرار می‌دهد. علاوه بر این دو صفت که از آن یاد شد، تنوع اوراق بهادار در بازار این قبیل کشورها، فرصت‌های متنوعی را برای سرمایه‌گذاران متفاوت از محافظه‌کار گرفته تا کسانی که اهل خطر و ریسک باشند، فراهم می‌سازد و طبیعی است که بازاری کارآتر است که بتواند امکان سرمایه‌گذاری را برای مقادیر متفاوت سرمایه و سرمایه‌گذاران متفاوت فراهم آورد. به علاوه تنوع اوراق بهادار می‌تواند میزان ریسک سرمایه‌گذاری را در صورت اتخاذ استراتژی مناسب تا اندازه‌ای زیاد کاهش دهد. در چنین بازاری با تنوع اوراق بهادار با سود جستن از تکنیکهای درست، می‌توان حتی ریسک سرمایه‌گذاری را به صفر رساند. در اغلب کشورهای جهان، شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری ضمن ارائه خدمات در امر سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذاران، با تنوع بخشیدن به اوراق بهادار تا حد امکان، میزان ریسک را برای سرمایه‌گذار پایین می‌آورند بنابراین افراد مجبور به تحمل ریسک بیش از حد نیستند. منتها نه بازار ایران هیچ‌یک از آن مشخصات را داراست و نه از امکانات سیستم‌های اطلاعاتی یا مؤسسات

جریان نقدی که از این سرمایه‌گذاری در آینده نصیب شرکت می‌شود، برمی‌آید. نگفته نگذارم که این قسمت دوم، یعنی پیش‌بینی عایدات کار ساده‌ای نیست، چرا که مبتنی بر پیش‌بینی تحولات آینده است و این همان محضی است که از آن به نام تجزیه و تحلیل ریسک سرمایه‌گذاری یاد می‌کنیم. این تکنیک به سرمایه‌گذار از میزان ریسک یا خطری که سرمایه‌گذاری او را تهدید می‌کند، آگاهی می‌دهد. اما در ایران اساساً از این تکنیک استفاده نمی‌شود. دلیل دیگر این است که تصمیمات سرمایه‌گذاری در ایران بیشتر تحت تأثیر ملاحظات کلی اقتصادی است تا آنکه متأثر از ملاحظات مالی باشد. به عنوان مثال، سرمایه‌گذار به محض اطلاع از اینکه دولت امکانات سرمایه‌گذاری را به نرخهای دولتی در اختیار مؤسسه سرمایه‌گذار می‌گذارد. و بدلیل آنکه نرخ‌های دولتی تا حد زیادی از ارزش روز دارایی‌ها پایین‌تر است سرمایه‌گذار نیازی به تجزیه و تحلیل پروژه یا ریسک احساس نمی‌کند. حال آنکه اگر قرار باشد امکانات سرمایه‌گذاری با نرخ عادلانه فراهم گردد. آنگاه سرمایه‌گذار ناگزیر از استفاده از این تکنیکها خواهد شد.

**شلیله:** به نظر می‌رسد شاید علل تاریخی - اجتماعی و اقتصادی پاسخ کامل‌تری برای این پرسشها داشته باشد و یکی از این مباحث اینک چون در ایران بازار سرمایه از رشد بازمانده است، در نتیجه مکانیزمهای بازار تکامل یافته سرمایه در اینجا کار نمی‌کنند. موانع بورکراتیک در ایران محدودیت‌های جدی بر سر راه رشد ایجاد کرده است. جالب است که در زمان حاضر بسیاری از مؤسسات اقتصادی ما، به صورت روزانه مقدار زیادی از ارقام مورد نیاز خود را از بازار آزاد خریداری می‌کنند که مقادیر آن‌هم به هیچ وجه کم نیست و معمولاً قیمت تمام شده کالاها را خریداری شده به این طریق به میزان قابل توجهی از قیمت تمام شده آن در صورت واردات گرانتر است. در حالی که همین موانع بورکراتیک سبب شده است که مؤسسات ما، تأمین نیازهای خود را از کالاها و وارداتی که توسط کارگزاران این بازار از خارج وارد شده است، به وارد کردن آن از خارج ترجیح دهند. بر همین سیاق سرمایه‌گذار ایرانی هم ترجیح می‌دهد، در قلمرو توانایی‌های مالی خودش یا دوستان و بستگان نزدیکش

خدمانی و از این قبیل برخوردار است و لذا از این روی می‌گوییم بازار سرمایه در ایران تکامل نیافته است.

**شلیله: واقعیت این است که ما هر گاه از بازار سرمایه در ایران و ویژگی‌های آن یاد می‌کنیم، اساس حرف ما بر فضاهای ذهنی استوار است چرا که تاکنون هیچ ارزیابی جدی در مورد اقتصاد ایران با بازار سرمایه انجام نشده است. ما اگر حتی رهنمودهای اساسی در جنبه نظری برای اقتصاد ایران یا مدیریت مالی مؤسسات اقتصادی ایران داشته باشیم، ناگزیریم که در این زمینه تحقیق کنیم و از این طریق انگاره‌های ذهنی خود را به انگاره‌های واقعی تبدیل کنیم. آیا هیچ گونه تحرکی در این زمینه هست یا نه؟ و دوم اینکه ناگزیر باید در اینجا گریزی به مسئله آموزش مدیریت مالی در ایران بزنیم که حتی اگر از کم و کیف آموزش آن هم صرف‌نظر کنیم، موضوع آن در ایران مساله است. ما در عمل مدیریت مالی در ایران نداریم و چنانکه شما نیز اشاره فرمودید، مدیران مالی ما در واقع رؤسای حسابداری هستند. از آن طرف در دانشگاه‌ها، این رشته تدریس می‌شود و نتیجه آنکه وقتی دانشجویان تحصیل شد و با دانشگاه خداحافظی کرد، عملاً با مضمون و محتوای تحصیلی خود نیز وداع می‌کند و پس از چندی هم تمام آموخته‌های او فراموش می‌شود.**

جهانخانی: همان‌طور که شما گفتید چیزی که در ایران جای آن کاملاً خالی است، مسئله تحقیقات است. به عبارت دیگر ما همین چند لحظه پیش اشاره کردیم به یک سری پدیده‌هایی که به چشم مشاهده می‌کنیم. گفتیم مدیر مالی چنان‌که باید وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد. گفتیم بازار سرمایه در ایران به اصطلاح تکامل نیافته است. اما اینکه چرا این وضع پیش آمده است، نیاز به تحقیقاتی گسترده و دامنه‌دار دارد تا بتوانیم علت اصلی قضایا و مشکلات را شناسایی کنیم. که قاعدتاً بار این مسؤلیت هم به عهده مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی است که تا به حال نتوانسته است این وظیفه را به انجام برساند اتفاقاً مراکز تحقیقات دانشگاهی این امکان را دارند که موضوع‌های تحقیقات را مشخص کنند و به عنوان موضوع تحقیق در اختیار دانشجویان فوق‌لیسانس و دکترای قرار بدهند یا مراکز تحقیقاتی حرفه‌ای که زیر نظر وزارت فرهنگ است این کار را انجام بدهند.

**شلیله: آیا در زمان حاضر هیچ برنامه‌ریزی یا قدمی در این راه برداشته شده است.**

جهانخانی: کارهایی شروع شده است. چندین تحقیق توسط دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران به راهنمایی بنده انجام شده است. از جمله آن تحقیقی می‌توانم نام ببرم که به نحوه فعال کردن بازار بورس اوراق بهادار در ایران اختصاص دارد و در سال ۱۳۶۶ یا ۱۳۶۷ در دانشگاه تربیت مدرس صورت گرفت یا دو- سه تحقیقی که در سال

۱۳۶۹ به پایان رسید که موضوع آن‌ها، اندازه‌گیری ریسک سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران بود. تحقیقاتی نیز در زمان حاضر در شرف انجام است که موضوع آنها مقایسه ساختار سرمایه در بازار ایران با بازار چند کشور دیگر مانند ترکیه، توکیو، ژاپن، آلمان و انگلیس است.

**شلیله: آیا این تحقیقات مورد استفاده نیز قرار می‌گیرد یا در حد یک تکلیف درسی باقی می‌ماند؟**

جهانخانی: نخیر، این‌ها در واقع پایان‌نامه دانشجویان فوق‌لیسانس بوده است. البته من اطلاع ندارم، شاید هم به کار گرفته بشوند. تاکنون که کسی به‌ما نامه نوشته است که کپی از آنها بخواهد. من فکر می‌کنم تا نیازه این کار در جامعه احساس نشود، کسی دنبال راه‌حل نخواهد رفت و این دو کار باید به صورت همزمان انجام بشود. یعنی هم دانشگاه‌ها باید رسالت خود را انجام بدهند و به بررسی مشکل و ارائه راه‌حل برای رفع آن بپردازند و هم جامعه این نیاز را احساس کند و راه‌حل بخواهد. البته تقریباً از یک سال پیش یک تحولی در این زمینه‌ها به چشم می‌خورد. همین چندین پیش بود که وزارت امور اقتصادی و دارایی موضوعات مختلفی را که موضوع روز مملکت بود. برای دانشگاه‌ها فرستاد و دانشجویان تعدادی از آنها را به‌عنوان پایان‌نامه انتخاب کردند و مشغول تحقیق درباره آنها هستند. این روند به ما امید می‌دهد که امور به جهات اصولی تری سوق یابد. از این پس یک نسخه از نتایج تحقیقاتی که توسط دانشجویان انجام می‌شود، برای این وزارت‌خانه ارسال خواهد شد و آنها می‌توانند از نتیجه این تحقیقات استفاده کنند و در جهت اصلاح امور قدم بردارند.

**شلیله: استحضار دارید که در بررسی و تحقیق در مورد پدیده‌ها باید به عوامل مختلفی که در پدیدایش آن نقش دارند، توجه داشت و از این نظر تحقیقات فردی مانند آنچه دانشجویان انجام می‌دهند، معمولاً ارتباط پدیده را با برخی از این عوامل بررسی می‌کنند و بنابراین با محدودیت جدی مواجهند.**

جهانخانی: موضوعاتی که ما مطرح کردیم، موضوعات بسیار مهم و اساسی است. وقتی که ما درباره بازار سرمایه ایران صحبت می‌کنیم، در واقع راجع به شریانها و رگهای اقتصادی کشور حرف می‌زنیم. وبالطبع باید تحقیقاتی که در این زمینه انجام می‌شود، از جامعیت کافی برخوردار باشد و عوامل مختلفی را در بررسی آن در نظر گرفت. در حالی که تحقیقی که دانشجویان انتخاب می‌کنند، تحقیقات یک‌بعدی است و موضوع آن تقریباً از واقعیت منتزعه شده است و فقط تأثیری - دو عامل خاص را بر موضوع تحقیق می‌سنجد. اما اگر قرار باشد مسائل به صورت جامع مورد بررسی قرار گیرد، در آن صورت نیاز به یک اقدام اساسی در سطح مملکت خواهد بود و لازمه آن تشکیل واحدهای تحقیقاتی حرفه‌ای است. که به‌عنوان بازوی تحقیقاتی مراجع تصمیم‌گیرنده مملکت، مانند مجلس شورای اسلامی بتوانند

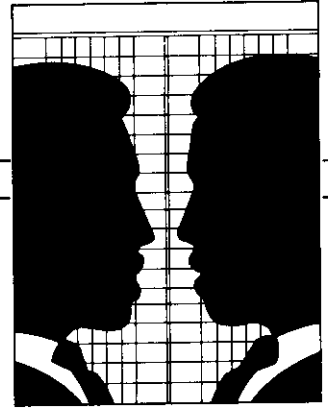
به بررسی رویداد و واقعیت‌ها بپردازند و نتایج کار را در اختیار این مراجع قرار بدهند تا بتوانند تصمیمات خود را بر این اساس استوار کنند. نه فقط مجلس شورای اسلامی، بلکه وزارتخانه‌ها و سایر سازمانهای عمده نیز تصمیماتشان مبتنی بر تحقیقات زیربنایی باشد و چنین سازمانهای باید کادر لازم و متخصص در این مورد داشته باشند. متأسفانه تا آنجا که من می‌دانم، در ایران این مهم، خیلی جدی گرفته نشده است. حالا یک دلیلش می‌تواند این باشد که ما در این به اندازه کافی محقق نداریم و برنامه‌ریزی لازم هم برای تربیت آن نشده است و نکته دیگر اینکه آن تعدادی هم که می‌توانند از عهده این کارها برآیند، چندان وقتشان با تدریس پرمی‌شود که دیگر مجالی برای این کارها ندارند. همچنین متأسفانه در جامعه ما در سالهای گذشته، بجز چند ماه اخیر، تصمیمات معمولاً بر اساس ملاحظات دیگری جز الزامات موضوع تصمیم‌گیری اتخاذ می‌گردیده است.

**شلیله: گویا ما به طور ضمنی به یک واقعیت جدی نزدیک شدیم که ذکر آن در بحث ما ضرورت دارد و آن اینکه انگار وقتی ما از مقوله مدیریت مالی در ایران صحبت می‌کنیم یا اگر این مساحت در ایران تدریس می‌شود، مقوله‌ای را بررسی می‌کنیم که مصداق عینی در ایران ندارد یا به کاربرد آن کمترین توجهی نمی‌شود. البته این مسئله صرفاً شامل حال مدیریت مالی نیست، بسیاری رشته‌های دیگر نیز در ایران در وضعیت مشابهی است. و به هر صورت تدریس این رشته در ایران به این می‌ماند که ما خواسته باشیم یک دانش ویژه‌ای را که از اصل متعلق به جوامع دیگر است، برای دانشجویان خودمان توضیح بدهیم.**

جهانخانی: و نمونه بازار آنچه شما به آن اشاره دارید، همین مدیریت مالی (Finance) است.

**شلیله: دقیقاً و چنانکه گفتیم نه فقط مدیریت مالی، رشته‌های دیگری نیز هست. حتی می‌توان اقتصاد را در این زمره نام برد.**

جهانخانی: باز اقتصاد بنظر می‌رسد سختی بیشتری با جامعه ایران بهم زده است. ولی در رابطه با مدیریت مالی (Finance) من واقعاً برای انتقال مفاهیم این مقوله به دانشجویان مشکل دارم. چون دانشجویان می‌توانند مطلبی را به طور کامل درک کنند که یک مصداق عینی نیز بتواند برای آن مطلب تصور کنند. وقتی ما در ایران اوراق بهادار با آن تنوعی که در کتابها هست، نداریم و دانشجویان حتی یک بار هم در روزنامه راجع به اوراق بهادار چیزی نخوانده است، طبیعی است که آنچه را من برای او تشریح می‌کنم، به‌طرز کامل درک نمی‌کند. و اگر هم به صورت انتزاعی آن را یاد بگیرد، چون کاربردی برای او ندارد، چندی پس از امتحان همه را فراموش می‌کند، در حالی که دانشجویان کشورهای صنعتی هر روز که روزنامه را باز می‌کنند، می‌بینند ۵-۶ صفحه از آن به قیمت سهام و اوراق قرضه و نرخ ارز و نرخ روز و نرخ ورق بزیند



## مصاحبه

تعدیلاتی و مسائل مهم اقتصادی جامعه و مؤسسات اقتصادی اختصاص دارد. دانشجوی کشورهای پیشرفته در طول ۱۹ سال عمرش قبل از اینکه به دانشگاه برود، با این مسایل آشناست و زمینه قبلی کافی دارد و در نتیجه با زمینه قبلی رشته تحصیلی اش را انتخاب می‌کند و حتی به جزئیات قضیه هم علاقه نشان می‌دهد. در حالی که این مباحث برای دانشجوی ایرانی ملموس نیست. حتی در زمان حاضر در ایران، اکثر قریب به اتفاق کسانی که سهم می‌خرند، نمی‌دانند که چکار می‌کنند و چنانکه پیش از این هم اشاره کردم، به جای فکر کردن به منافع آتی سهم، با انگیزه سفته بازی نسبت به خرید آن اقدام می‌کنند. ضمن آنکه بورس در ایران از اصل یک پدیده وارداتی بوده است و هیچکس هم فکر نکرده است که آیا این الگو با شرایط ما سازگار است یا نه. نکته آخر در این باره اینکه هنوز حتی در دروس مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی — یعنی همان ستاد انقلاب فرهنگی — درسی به نام سرمایه گذاری اوراق بهادار در رشته های مالی پیش بینی نشده است. در نتیجه بدیهی است که فارغ التحصیل این رشته هم، چیزی در این باره نمی‌داند.

**شلیله:** با توجه به اینکه شما در زمان حاضر در امر آموزش امور مالی و حسابداری مسئولیت دارید، جا دارد قدری به بررسی این مسئله پردازیم. استحضار دارید که آموزش حسابداری در ایران مورد انتقاد جدی کارشناسان مربوطه است. ما هم در میزگردی که برای بررسی مسئله آموزش داشتیم و گروهی از دانشگاهیان در آن شرکت داشتند، به شدت برنامه آموزش حسابداری کشور را مورد انتقاد قرار دادند. البته با توجه به اینکه شرکت کنندگان این میزگرد عمدتاً عهده دار کار تدریس حسابداری بودند، به اشکالات موجود در مورد انتخاب دانشجوی برنامه آموزش شورای عالی انقلاب فرهنگی و نارساییهایی مانند نبودن معیارهای اصولی برای انتخاب استاد و حتی نصب استاد بر اساس توصیه، اشکالات منابع درسی و فاصله آن با تحولات حسابداری در جهان تأکید داشتند. یا از نبودن برخی موضوعات درسی مهم در برنامه آموزشی یاد کردند. حال مایلیم نظر شما را به عنوان یکی از مسئولین سازمانهای آموزشی کشور در این باره بدانیم. جهانخانی: انتقادهایی که شرکت کنندگان در میزگرد

مورد اشاره شما به محتوای دروس کرده اند، وارد است. محتوای دروسی که در برنامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی — ستاد انقلاب فرهنگی — پیش بینی شده است یک مقدار آن قدیمی است و یک مقدار از آن نیز منطبق با شرایط جامعه ما نیست. یقیناً تنظیم کنندگان آن، کتابهای خارجی را برداشته اند و برنامه را از روی آنها نوشته اند. آن نظارتی که از این برنامه می‌رفت برآورده نشد من نمی‌خواهم بگویم اگر دیگران مسئول این کار بودند، بهتر کار می‌کردند بلکه به نظر من اساساً اینکه یک کمیته ای در یک وزارتخانه ای بنشیند و برای تمام دانشگاههای کشور تعیین تکلیف کند این روش موفقیت آمیزی نیست. به هر جای جهان هم که برویم، می‌بینیم وزارتخانه ها یا سازمانهایی که وظیفه بهبود کیفیت علمی دانشگاهها را برعهده دارند فقط دیدگاههای کلی را مطرح می‌کنند و سایر کارها را مانند اینکه فلان مطلب در فلان درس باشد یا نه، به عهده خود دانشگاههاست و این گروههای تخصصی در دانشگاهها نیز همواره در جریان تحولات و پیشرفت های جدید هستند، آخرین مجلات علمی را در اختیار دارند و اگر مطالب جدیدی در هر زمینه ای مطرح بشود، آنها را هم در کلاس ها مطرح می‌کنند و ما هم باید سیستم خودمان را اصلاح کنیم و این سیستم تمرکزی و دستوری را در دانشگاهها کنار بگذاریم. مشکلات دیگری نیز در دانشگاه وجود دارد، که مسائل آموزشی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال افزایش شدید دانشجویان متناسب با امکانات دانشگاهها نیست و طبیعی است که نتیجه آن کاهش کارایی آموزش در دانشگاههاست و نتیجه کارایی کیفیت به دست نمی‌دهد. من آمار و اطلاعاتی را در این باره می‌دیدم که نشان می‌داد بدون اینکه تعداد استادان ما در این سالهای اخیر افزایش داشته باشد، تعداد دانشجویان بسیار افزایش یافته است در حالی که حتی از نظر تعداد استادان کاهش هم داشتیم. از طرف دیگر امکانات رفاهی استادان هم کاهش پیدا کرده است و آنان برای تأمین زندگی خودشان ناچار شدند مقداری هم گرفتاری برای خودشان خارج از دانشگاه درست کنند. ما وقتی به دانشگاههای خوب دنیا نگاه می‌کنیم، می‌بینیم اتکای آنها به استادان تمام وقت است. اصلاً شما چیزی به عنوان استاد مدعو در دانشگاههای خوب نمی‌بینید در حالی که در ایران به ویژه در مورد رشته های مالی کمتر از سی درصد استادان تمام وقت هستند. در واقع بیشتر آنان اصلاً حرفه شان تدریس نیست. بلکه معمولاً مشاغل دیگری دارند که به دلیل درخواست دانشگاهها یا نیاز مالی خودشان با هم همکاری می‌کنند. استاد مدعو اگر خیلی وجدان کاری داشته باشد، بموقع در کلاس حاضر می‌شود و کلاس هم که تمام شد کیفیت را برمی‌دارد و می‌رود. یعنی رابطه اش با دانشجو قطع می‌شود. چون وقت کافی ندارد، تن به همکاری در کارهای تحقیقاتی دانشجویان نمی‌دهد. چون وقت کافی ندارد، تمرین نمی‌دهد، مسئله کم می‌دهد و نتیجه آنکه دانشجو قرص و محکم تعلیم نمی‌بیند. مشکل دیگری هم هست و آن نحوه گزینش دانشجو است. متأسفانه در ایران ورود به دانشگاه

به عنوان یک امتیاز تلقی می‌شود. و علیرغم اینکه برضد مدرک گرایی شعار می‌دهیم، اما عملاً به آن دامن می‌زنیم و هر وقت که دولت می‌خواهد به عهده ای امتیاز بدهد، می‌گوید بیا برو دانشگاه. مثلاً به جای اینکه به آنان خانه بدهد و یا مزایای دیگر را در نظر بگیرد. خوب این کار باعث می‌شود کسانی به دانشگاه بیایند که انگیزه کافی برای آن ندارند؛ بلکه فقط به عنوان اینکه حالا می‌تواند از یک امتیازی استفاده کند و نباید آن را از دست بدهد وارد دانشگاه می‌شود و قضای محدود دانشگاه را اشغال می‌کنند. بعد هم برای گرفتن نمره قبولی در دروس به استاد فشار می‌آورند و عملاً از راههای مختلف سعی می‌کنند یک مدرکی بگیرند. این روش باید تغییر کند. دانشگاه باید مرکز پرورش افراد مستعد جامعه باشد. یعنی کسانی که انگیزه قوی برای ادامه تحصیل دارند و استعداد یادگیری و شوق یاد گرفتن هم داشته باشند.

**شلیله:** اجازه می‌خواهم در پایان گفتگویک سؤال غیرمعمول هم از شما بکنم و آن اینکه اگر یک دانشجوی مستعدی به دانشگاه شما بیاید، و با درجه خوب از آنجا فارغ التحصیل بشود، فکر می‌کنید از نظر کارایی در عمل چه وضعی داشته باشد.

**جهانخانی:** فکر می‌کنم در هر سیستم آموزشی تعدادی دانشجوی نخبه یافت می‌شوند. اینان گنیم خود را از آتب بیرون می‌کنند. هم اکنون در کلاس چهل نفری من، دو سه نفر هستند که از کلاس و درس جلوتر هستند. به منابع خارجی مراجعه می‌کنند، بیش از سطح کلاس مطالعه می‌کنند، حتی به من مراجعه می‌کنند و سؤالیهایی می‌کنند که من خودم باید نیم ساعت بنشینم و فکر کنم تا بتوانم جواب آنان را بدهم. اینها به اصطلاح انگیزه های قوی دارند و بیشتر با این دید کار می‌کنند که بتوانند در دانشگاههای معتبر دنیا ادامه تحصیل بدهند و موفق هم می‌شوند. اما اگر سرسراغ بقیه برویم، میزان کارایی آنها پائین تر خواهد بود و به نظر من اینان باید دوره های کارآموزی مجدد بگذرانند. در دنیا هم دوره های کارآموزی (Training) رایج است.

**شلیله:** اگر مطالبی دارید که طرح آنها را لازم می‌دانید و تا اینجا به آنها نپرداختیم، لطف کنید، مطرح بفرمایید.

**جهانخانی:** نه، فکر می‌کنم همین اندازه کافی باشد و امیدوارم که مفید باشد.

**شلیله:** حتماً. به هر صورت از مساعدت شما بسیار ممنونیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

# بیش از ربع قرن تجربه

در خدمت شما!؟..





Laptop Size  
Desk-top Power...  
ایبم فایلت کوچک...

کامپیوترهای کیفی

شارپ  
SHARP



- سبک ۱ فقط ۴ کیلو
- صد درصد همساز با IBM XT
- ۴۰ مگابایت هارد دیسک
- با برق و باتری قابل شارژ
- قابلیت کامل فارسی و لاتین

همراه با کاربرگ فارسی «کواترو»

- ۱۶ ساعت آموزش مبانی کامپیوتر و کاربرگ "کواترو"

Quattro  
Spread sheet

یکی از سه کاربرد بزرگ برگزیده سال ۱۹۹۰



# سیستم معجزه‌گر کاربرگ

فارسی «کوattro»

کلید حل مشکلات در زمینه محاسبات پیچیده آماری، حسابداری و حسابرسی در کوتاهترین زمان ممکن.

- دارای ۲۵۶ ستون و ۸۱۹۰ سطر کاربرد الکترونیک.
- بیش از دو میلیون سلول جهت ثبت ارقام و انجام محاسبات.
- ایجاد ارتباط بین سلولها، بطوریکه تغییر محتوای هر سلول در کلیه سلولهای مرتبط تاثیر میگذارد.
- تبدیل آمار و ارقام به نمودارهای گرافیکی با فشار یک کلید.

مرکز مانتینیرای ابرای ایران  
IRAN BUSINESS MACHINES CENTER

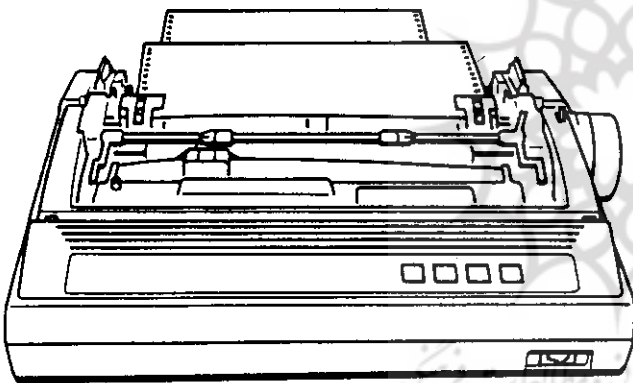
بایش از ربع قرن تجربه



نتیجه کارتان را چاپ کنید

چاپگر سیکوشا

SEIKOSHA  
SL-90



- چاپگر پیشرفته فارسی و لاتین شخصی .
- ۸۰ ستونی با ماتریس ۲۴ سوزنی (LQ) .
- سرعت شگفت انگیز ۲۴۰ حرف در ثانیه (Draft) .

● کاراکترهای زیبای حروف فارسی و لاتین  
با ۶۴ نوع امکان تغییر شکل

● بایستیانی مطلق سرویس و تعمیرات منظم در سراسر کشور

نماینده انحصاری در ایران

تهران - بلوار کشاورز - خیابان شهید بهرام نادری (سهیل سابق) شماره ۲۱۲  
کد پستی ۱۴۱۶۶ - تلفنهای ۶۵۴۱۴۴ - ۶۵۱۲۹۴ - ۴۱۵۴۳۶۶ - ۴۱۵۴۶۸۰  
فاکس: ۶۵۹۳۱۳ تلکس: ۲۱۵۱۱۳ IBMCO

مرکز مانتننسهای اراری ایران  
IRAN BUSINESS MACHINES CENTER

بایش از ربع قرن تجربه



شپښو شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د مرستې  
پرتال جامع علومو انساني



شپښو شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنجی  
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو د مرستې  
پرتال جامع علومو انساني

## اصول و کاربرد حسابداری

در سازمانهای دولتی

و غیر دولتی

داود قوامی - جعفر باباجانی

سازمان مطالعه و تدوین کتب  
علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

۵۵۸ صفحه - وزیری

### اصول و کاربرد حسابداری

در  
سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی

داود قوامی  
جعفر باباجانی

مؤلفین در مقدمه نوشته اند:

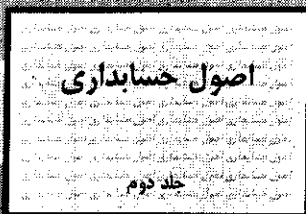
ناآگاهی مدیران سازمانهای دولتی به نحوه استفاده از گزارشهای مالی در اتخاذ تصمیمات مالی صحیح و بموقع از یک سو و فقدان ارتباط و تفاهم منطقی میان استادان و مدرسان رشته حسابداری و حسابداران دولتی ارشد از سوی دیگر از دلایل مهم عقب ماندگی حسابداری دولتی در ایران است و عقیده صاحب نظران آن است که آنچه در ایران به عنوان حسابداری دولتی مطرح است برگرفته از روشها و دستورالعملهایی است که در آنها اصول بنیادی و مبادی علمی حسابداری ملحوظ نگردیده

# کتابهای تازه...

بخش هفتم، حسابداری شرکتهای تضامنی  
بخش هشتم، حسابداری در شرکتهای  
سهامی

بخش نهم، حسابداری کنترل شامل:  
دوایر، شعب، نگهداری حساب در واحدهای  
تولید، هزینه یابی مرحله ای هزینه یا  
پی استاندارد.

چنانکه ملاحظه می شود بخش هفتم و  
هشتم کتاب به حسابداری بازرگانی اختصاص  
یافته است و قسمتی از بخش نهم به حسابداری  
قیمت تمام شده (صنعتی) می پردازد.



### اصول حسابداری

جلد دوم

ترجمه: دکتر مهدی تقوی - ایرج نیک نژاد

کتاب جلد سومی هم دارد که ترجمه آن  
بپایان رسیده و امیدواریم هرچه زودتر به دست  
علاقه مندان برسد.



است.  
کتاب در پاسخ به یک نیاز مبرم تألیف  
یافته و ویژگیهای زیر را مدنظر داشته است:

- ۱- تشریح اصول و مبانی نظری حسابداری سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی.
  - ۲- ترجمه کامل به قوانین و مقررات مالی و محاسباتی کشور بویژه قانون محاسبات عمومی کشور.
  - ۳- مصرفی حساب مستقل به عنوان منبع مالی و واحد حسابداری مستقل در حسابداری دولتی و تدوین کلیه مباحث بر این اساس
- کتاب جلد دومی هم خواهد داشت که در دست تألیف است و برای مطالعه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد تهیه می شود.

### اصول حسابداری جلد دوم

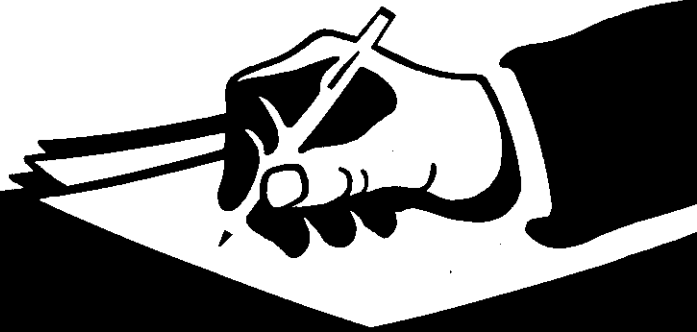
قن ونیس ونگر

ترجمه: دکتر مهدی تقوی  
ایرج نیک نژاد

انتشار: انتشارات پیشبرد، چاپ اول  
تهران ۱۳۶۹ - ۲۹۲ صفحه - وزیری

جلد اول این کتاب در سال ۱۳۶۶ منتشر  
شد و بعلا نیازی دانشجویان به پنج چاپ رسید  
و اینک جلد دوم با مطالب زیر منتشر گردیده  
است:





# نقدی و نظری بر مباحث تقسیم سود در شرکت های غیر سهامی

چندی است که به تبع شغل معلمی و در طول چندین ترم تدریس حسابداری شرکت ها با پارامی از نارسائیهای خاص در مطالب، کتب و جزوات این درس مواجه بوده ام. اگر چه در یک مقایسه نسبی مطالب با اهمیت تر و قابل بحث تر از آنچه در این گفتار به آن پرداخته خواهد شد می توان یافت.<sup>(۱)</sup> لیکن علت اصلی انتخاب بحث خاص تقسیم سود در شرکت های غیر سهامی<sup>(۲)</sup> عمدتاً خلاء بیشتری است که در این رابطه احساس می شود و در مجموع مطالب و کتب موجود حسابداری کمتر از آنچه باید به آن پرداخته شده است و در عین حال، در کمتر جایی سعی شده است مبنای مربوط به این موضوع بطور اصولی تشریح شود. یکی از مؤخرترین این نوشته ها نشریه حسابداری مالی (جلد دوم) سازمان حسابرسی است که مسئولیت تدوین آنرا استاد گرانقدر جناب آقای دکتر شباهنگ بعهده داشته اند، اینجانب علیرغم بهره های فراوانی که از مجموع آثار ایشان برده ام، نقدگونه ای بر مطالب ایشان در زمینه یاد شده را بهانه ای یافتیم برای بیان نقطه نظرات خودم و نیز گشودن بابی در این بحث، اما مستقماً ذکر این نکته را ضروری می دانم که مباحث عنوان شده عمدتاً بر پایه عرف و رویه های معمول حسابداری بوده است و اگر چه دامنه این بحث از نظر حقوقی گسترده می باشد، اینجانب با بضاعت علمی مختصر، خود را محق به وارد شدن در این مقوله (بطور خاص) نمی بینم و مسلماً باب بحث در این مورد نیز برای خبرگان و صاحب نظران حقوقی در جای خود گشوده خواهد بود. این نوشته در سه بخش به شرح زیر مباحث تقسیم سود در شرکت های غیر سهامی را مورد نقد و بررسی قرار خواهد داد.

الف) تقسیم سود و زیان جاری  
ب) تقسیم سود و زیانهای سرمایه ای شناسایی شده در زمان تغییر در نسبت های سود و زیان  
ج) تقسیم سود و زیان و قانون تجارت ایران.

## الف) نحوه تقسیم سود و زیان جاری

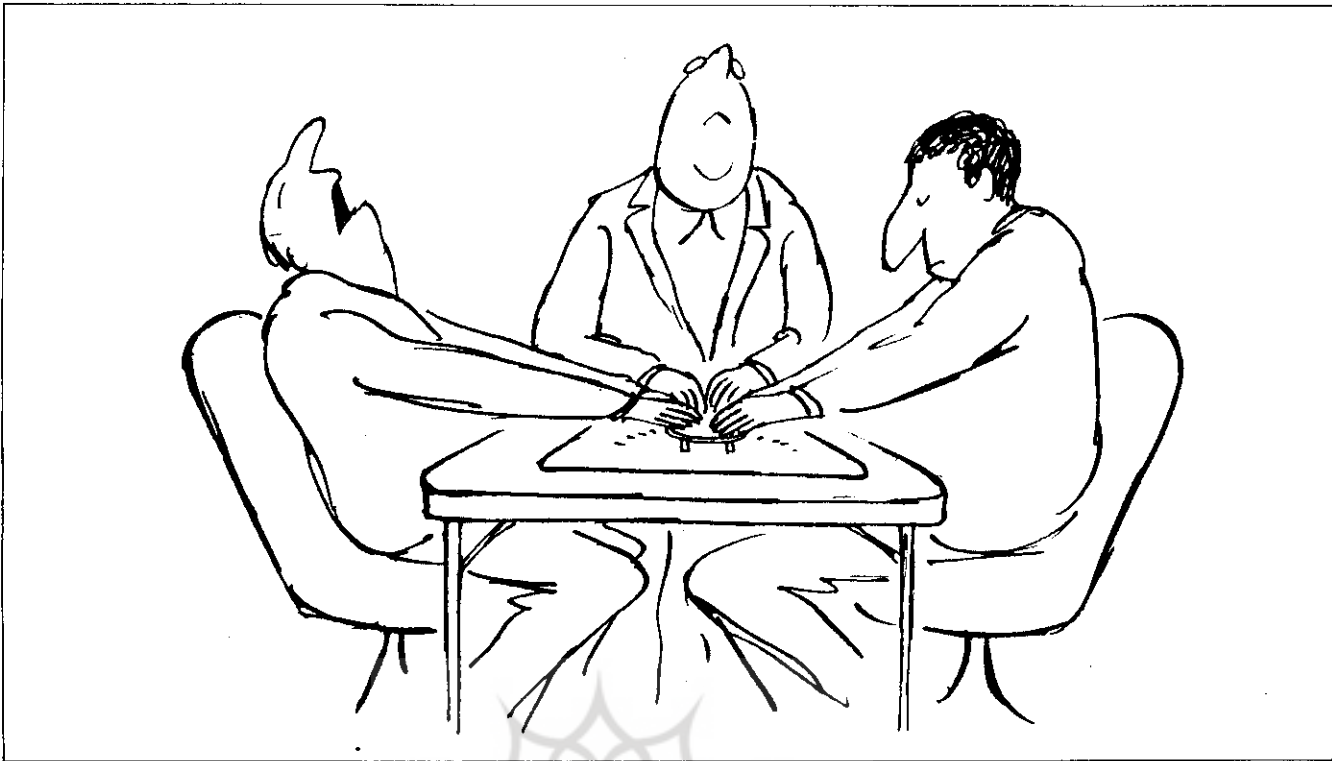
اساساً عمده شرکت های غیر سهامی نظیر شرکت تضامنی و... را «شرکت های شخص» می نامند، اطلاق این اصطلاح به شرکت هایی از این قبیل در مقابل اصطلاح «شرکت های سرمایه» است که برای شرکت های سهامی بکار برده می شود. وجه تسمیه کاربرد این اصطلاح، تأکید بر نقش فردی شرکت در اعتبار، مدیریت و هدایت شرکت های غیر سهامی است در مقابل نقش عامل سرمایه و اصولاً این چنین مبنایی به بیان دیگر، تفاوت نقش شخصی هریک از شرکا را در ایجاد سودآوری در شرکت روشن می سازد. نمونه هایی از این تفاوتها را می توان تخصص و مهارت های فردی، حسن شهرت تجاری،

## مقدمه:

پیش کنونی دانش حسابداری در واقع مرهون دستیابی آن به روشها و شیوه های تحلیلی است، گسترش دامنه مباحث حسابداری به منظور حفظ نقش این دانش در جوابگویی به نیازهای اطلاعاتی مدیران، سهامداران و سایر استفاده کنندگان گزارشهای مالی همراه با پیچیده شدن ماهیت تکنولوژی و صنعت و نیز روابط تجاری و اقتصادی و اجتماعی اجتنابناپذیر می نماید. بنابراین نقش و وظیفه حسابداران در تمسک به شیوه های تفکر و استدلال منطقی و منظم امری ضروری بنظر می رسد. بدون تردید تئوریهای، اصول و رویه های حسابداری، زمانی جایگاه واقعی خود را می یابد که از نیازهای اطلاعاتی و مشکلات محیط واقعی حسابداری منتزع نباشد و بر این مبنا مسلماً لزوم تعدیل و انعطاف در انطباق این تئوریهای و رویه ها با شرایط و نیازهای محیطی مختلف یک ضرورت انکارناپذیر است. تحقیقاً ایجاد زمینه مناسب بحث و گفتگوی متقابل صاحب نظران به هر شکل آن (نقد و بررسی، سمینار و کنفرانس) یکی از طرق مؤثر در دستیابی به این اهداف است، موضوعی که تا بحال در ایران کمتر به آن بها داده شده است و امید آنکه در آینده به این مهم توجه بیشتری شود. موضوع مورد بحث نیز تا حدی به همین بهانه تهیه شده است.

(۱) مسلماً بر اکثر خوانندگان روشن است که مباحث قابل طرح در شرکت های سهامی بدلیل کثرت و نیز اهمیت در مقابل شرکت های غیر سهامی نظیر شرکت های تضامنی از اولویت بیشتر برخوردار است.

(۲) این اصطلاح عمدتاً برای شرکت های تضامنی، نسبی و با مسئولیت محدود بکار برده می شود.



تجربه تجاری و دیگر خصوصیات فردی شریک نامید. به رسمیت شناختن این تفاوت‌ها عامل منطقی تخصیص سود به نسبت‌هایی متفاوت با نسبت سرمایه است. اما از سوی دیگر، ندیده گرفتن عامل سرمایه در سودآوری و ملحوظ نکردن آن در مبنای بکار گرفته شده تقسیم سود نیز منصفانه نمی‌نماید. بنابراین نتیجه اصولی حاصل از بررسی نقش دو عامل فرد و سرمایه در ایجاد بازدهی معمولاً به بکارگیری مبنای خاصی برای تقسیم سود در این گونه شرکت‌ها منجر گردیده است، که بطور همزمان نقش هر دو عامل ذکر شده را ملحوظ نماید. به بیان روشن‌تر، بر این اساس منطقی می‌نماید که بخشی از سود به نسبت سرمایه شرکا و بخش دیگر به نسبت‌های توافقی فی‌مابین و بر مبنای نقش هر یک از شرکا در سودآوری تقسیم گردد. با توجه به توضیحات فوق اگر چه تنوع زیادی در موافقت‌نامه‌های تقسیم سود قابل تصور است، اما در عمل اشکال متداول و شناخته شده‌ای به شرح زیر در این رابطه وجود دارد.

تجربه تجاری و دیگر خصوصیات فردی شریک نامید. به رسمیت شناختن این تفاوت‌ها عامل منطقی تخصیص سود به نسبت‌هایی متفاوت با نسبت سرمایه است. اما از سوی دیگر، ندیده گرفتن عامل سرمایه در سودآوری و ملحوظ نکردن آن در مبنای بکار گرفته شده تقسیم سود نیز منصفانه نمی‌نماید. بنابراین نتیجه اصولی حاصل از بررسی نقش دو عامل فرد و سرمایه در ایجاد بازدهی معمولاً به بکارگیری مبنای خاصی برای تقسیم سود در این گونه شرکت‌ها منجر گردیده است، که بطور همزمان نقش هر دو عامل ذکر شده را ملحوظ نماید. به بیان روشن‌تر، بر این اساس منطقی می‌نماید که بخشی از سود به نسبت سرمایه شرکا و بخش دیگر به نسبت‌های توافقی فی‌مابین و بر مبنای نقش هر یک از شرکا در سودآوری تقسیم گردد. با توجه به توضیحات فوق اگر چه تنوع زیادی در موافقت‌نامه‌های تقسیم سود قابل تصور است، اما در عمل اشکال متداول و شناخته شده‌ای به شرح زیر در این رابطه وجود دارد.

مؤلف کتاب<sup>(۱)</sup> اینگونه پاسخ می‌دهد: «در مواردیکه در شرکتهای تعلق بهره به مانند سرمایه‌شراکات تصریح شده باشد، لازم است که بهره، صرف‌نظر از تحصیل سود کافی برای پوشش آن به حساب سرمایه‌شراکات<sup>(۲)</sup> تخصیص یابد و طبیعی است که این نحوه عمل منجر به ایجاد زیان (در صورتیکه نتیجه عملیات سود غیر کافی بوده باشد) و یا افزایش زیان (در حالتیکه، نتیجه عملیات به زیان منجر شده باشد) خواهد گردید و نهایتاً نتیجه‌گیری می‌شود که مانده زیان حاصل در این مرحله به نسبت‌های تقسیم سود و زیان مقرر در شرکتهای به حساب‌های شرکا سرشکن خواهد شد. اتخاذ این چنین رویه‌ای به دلایل زیر منطقی نمی‌نماید:

- ۱) اگر قبول کنیم که تخصیص بهره سرمایه به شرکا، مرحله‌ای از تقسیم سود است، در صورت نبودن سود کافی یا در صورت زیان، اختصاص بهره سرمایه بر چه منطقی استوار خواهد بود؟
- ۲) اساساً اصل کلی قبول خطر؟! در سرمایه‌گذارهای تجاری یک مفهوم پذیرفته شده است. بر این مبنا همانگونه که در صورت وجود سود کافی، شریکی که سرمایه بیشتری را بکار انداخته از سود بیشتری برخوردار خواهد بود، منطقی آن است که نتیجه شود در صورت وجود زیان (یا سود

#### ۱- بهره سرمایه:

اصولاً در مواقعی که نسبت تقسیم سود و زیان در این شرکت‌ها با نسبت سرمایه شرکا متفاوت باشد و در صورت توافق قبلی شرکا، تخصیص قسمتی از سود تحت عنوان بهره سرمایه مورد خواهد یافت. بر اساس مفاهیم و منطق متداول حسابداری، اتخاذ چنین مبنایی اصولاً به منظور ایجاد تعادل نسبی در تقسیم سود است. نرخ بهره سرمایه عموماً رقمی مساوی یا نزدیک به نرخ بازدهی سرمایه‌گذارهای بدون ریسک انتخاب می‌شود و این بدان معنی است که اگر بنا باشد، تفاوت‌های فردی شرکا بعنوان عامل مؤثر در سودآوری تلقی گردد. منصفانه آن خواهد بود که ابتدا سودی معادل یا نزدیک به سود حاصل از سرمایه‌گذارهای بدون خطر به نسبت سرمایه‌ها کنار گذاشته شود و مابقی آن به نسبت‌هایی متفاوت و بدون توجه به میزان سرمایه شرکا تقسیم گردد. و اگر در چنین حالتی پس از تخصیص بهره سرمایه، سود قابل ملاحظه‌ای برای تقسیم در مرحله بعد باقی نماند این تلوبها به آن معنی خواهد بود که ادعای شرکت یا برخی از شرکا مبنی بر نقش مؤثر آنان در سودآوری مورد نداشته و در حقیقت سود کسب شده حد اقل سودی است که از بکارگیری سرمایه حاصل شده است و بنابراین این، منطقی خواهد بود که در این حالت سود صرفاً به نسبت‌های

(۱) نشریه حسابداری مالی (جلد دوم) سازمان حسابداری ص ۳۹  
 (۲) منظور نمودن بهره سرمایه و سایر منافع حاصل از سودجاری به حساب‌های سرمایه شرکا که مؤلف در تمامی موارد اینگونه عمل نموده خود بحث دیگری را می‌طلبد که جهت پرهیز از خلط مباحث در بخش سوم این نوشته به آن خواهیم پرداخت.

# نقدی و نظری بر مباحث تقسیم سود در شرکت‌های غیر سهامی

صرفنظر از این که سود خالص شرکت کافی برای پرداخت آن باشد یا نه به بستانگار حساب سرمایه شریک<sup>۷</sup> منظور شود». ص ۳۸.  
ایراد وارد به تعریف و چگونگی تخصیص حق الزحمه به دلایل زیر بیشتر از بحث بهره سرمایه جلب نظر می‌نماید.

اولاً علت و ماهیت اختصاص حق الزحمه<sup>۸</sup> به یک شریک، متفاوت با علت ذکر شده در عبارت فوق است، زیرا تا آنجائیکه موضوع حق الزحمه محدود به صرفوقت شریک در اداره امور شرکت است، این چنین پرداختی (به عنوان حق مدیریت) به ماهیت هزینه نزدیکتر است.  
ثانیاً - صرفنظر از اشکال اول اگر آنگونه که بیان شده است، تخصیص حق الزحمه، جزئی از موافقتنامه تقسیم سود است، اختصاص آن در صورت وجود زیان چگونه قابل توجیه است؟

واقعیت آن است که منظور داشتن حق الزحمه برای شریکی که در اداره امور شرکت نقش مستقیم دارد، منطقی و براساس اصول متداول شناخت هزینه، بیشتر ماهیت هزینه‌ای دارد و باید در سود و زیان منظور شود تا در تقسیم سود، اما خارج از محدوده فوق<sup>۹</sup>، منظور داشتن حق الزحمه<sup>۱۰</sup> در شرکتنامه به علت پاره‌ای خصوصیات فردی

شریکی است که به دلایل قابل قبولی<sup>۱۱</sup>، نظیر داشتن اعتبار یا حسن شهرت تجاری، تخصصهای ویژه فردی و مسائلی از این قبیل منظور می‌شود که در جهت افزایش سودآوری شرکت موثر و مفید تشخیص داده شده است و سایر شرکا بر این باور توافق می‌نمایند که قسمتی از سود حاصل شرکت تحت این عنوان و اختصاصاً به شریکی با مشخصات یاد شده تخصیص یابد. حال اگر فرض کنیم که در شرکتی سود کافی حتی برای پوشش حق الزحمه مقرر نیز حاصل نشده یا بالاخص حالتی که عملیات شرکت منجر به زیان گردیده باشد، در این صورت، این واقعیت چه مفهومی خواهد داشت؟

منطقی است که تصور کنیم خلاف پیش فرض اولیه در موافقتنامه شرکا حاصل شده است و تخصیص کامل حق الزحمه در این حالت مبتنی بر منطق قابل قبولی نخواهد بود. زیرا این واقعیت تلویحاً موجب بطلان عقد اولیه است که منطقیاً دلالت بر این دارد که در صورت وجود سود قسمتی از آن اختصاصاً به شریکی با مشخصات ذکر شده و آنهم به دلیل نقش وی<sup>۱۲</sup> تخصیص یابد. نتیجه بکارگیری چنین مبنائی همانگونه که در مثال مؤلف نیز کاملاً نشان داده شده این است که عملیات در مرحله‌ای از تقسیم سود منجر به زیان گردیده است و نهایتاً زیان حاصل به نسبت‌های مقرر به حسابهای شرکا اختصاص می‌یابد و در این حالت، تنها توجیه آنست که بگوئیم: «آهوی ناگرفته به دشت را نیز می‌توان فروخت».

نتیجه آنکه در چنین حالتی بسته به اینکه تخصیص حق الزحمه براساس شرکتنامه در چه مرحله‌ای پیش‌بینی شده باشد (مثلاً قبل یا بعد از بهره‌سرمایه ممکن است هیچ حق الزحمه‌ای به شریک مورد نظر تعلق نگیرد یا اینکه مانده سود پس از تخصیص بهره سرمایه به هر میزان که باشد، به عنوان حق الزحمه به حساب شریک منظور شود.

### ۳- موارد خاص:

#### آنچه گفته شد ناظر بر شرکتنامه‌های معمول و مبتنی بر رویه‌های متداول

- (۷) همان اشکالی که قبلاً نیز به آن اشاره شد و در بخش سوم بحث به آن خواهیم پرداخت.
- (۸) به همان مفهومی که قبلاً اشاره شد و مؤلف نیز به همین اعتبار از آن استفاده نموده است، یعنی جزئی از موافقتنامه تقسیم سود و نه هزینه.
- (۹) یعنی نه پرداخت‌هایی نظیر حق مدیریت یا حقوق که به لحاظ صرفوقت شریک در اداره امور شرکت به وی پرداخت می‌شود.
- (۱۰) به همان مفهوم که قبلاً به آن اشاره شد.
- (۱۱) از نقطه نظر سایر شرکا.
- (۱۲) به دلایلی که توضیح داده شد.

غیر کافی) نیز سهم بیشتری را متحمل شود، به بیانی دیگر به هر دلیلی تخصیص سود کمتر به شریک با سرمایه کمتر (در صورت وجود سود کافی) متناقض است با تخصیص زیان بیشتر به همان شریک (در صورت وجود زیان) مگر آنکه بگوئیم «آنکه بامش بیش برفش بیشتر، در مواقعی معادل است با آنکه بامش کم برفش بیشتر».

نتیجه آنکه مبنای منطقی و قابل قبول در این حالت آن خواهد بود که در مواقع وجود سود غیر کافی برای پوشش بهره سرمایه، سود حاصل به نسبت سرمایه‌ها تقسیم گردد یا عبارات دیگر، نرخ بهره سرمایه به صورت خودکار پائین آورده شود.<sup>(۱۳)</sup> و در صورت زیان، زیان حاصل تحت همین عنوان انباشته و از محل سود سالهای بعد مستهلک شود.<sup>(۱۴)</sup>

### ۲- حق الزحمه<sup>(۱۵)</sup> (پاداش سودآوری)

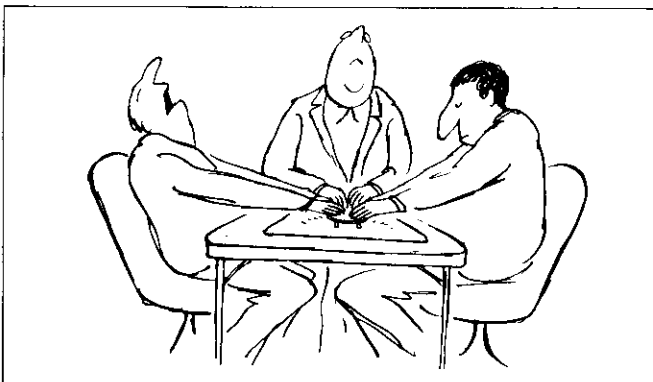
مؤلف،<sup>(۱۶)</sup> ماهیت قرارداد حق الزحمه را چنین توضیح داده است: «در برخی موارد ممکن است یک شریک اوقات بیشتری را به عملیات شرکت تخصیص دهد و سهم بیشتری را از سود دریافت نماید. شرکا ممکن است در مورد پرداخت حق الزحمه به شریکی که فعالیت بیشتری را در امور شرکت می‌کنند، توافق کنند. «این حق الزحمه هزینه عملیاتی شرکت محسوب نمی‌شود، بلکه جزئی از موافقتنامه تقسیم سود است.»  
و در ادامه چنین اضافه می‌نماید: «لازم است که مبلغ حق الزحمه

(۳) در اینجا بر خود واجب دانستم که به این بهانه یادی شود از زنده یاد استاد حسن سجادی‌نژاد که امثال این حقیر به افتخار خود را شاگرد او میدانیم و علیرغم قدمت تاریخی نوشته‌هایش هنوز هم در آن مطالب نو می‌یابیم. ایشان در ص ۶۳ کتاب اصول حسابداری بازرگانی جلد دوم به صراحت به این مفهوم اشاره دارند. «... در صورتیکه منافع برای این منظور کافی نباشد، می‌توان نرخ بهره را تقلیل داد، بطوریکه جمع بهره سرمایه از میزان منافع سالیانه تجاوز نکند.»

(۴) همانگونه که در ماده ۱۳۲ قانون تجارت ایران به آن اشاره شده است، «اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم‌الشرکه شرکا کم شود، مادام که این کمبود جبران نشده، تادیه هر نوع منفعت به شرکا ممنوع است.»

(۵) لازم است توجه شود این اصطلاح در شرکت‌های غیرسهامی به معنایی متفاوت با حقوق و دستمزد بکار می‌رود و استفاده از اصطلاحات دیگری همچون «پاداش سودآوری» به مراتب مناسبتر است و در این نوشته هر جا کلمه حق الزحمه بکار رفته، مراد همین مفهوم است. لیکن بعلمت مصطلح شدن و کاربرد آن در اکثر کتب موجود کماکان از آن استفاده شده است.

(۶) نشریه حسابداری مالی (جلد دوم) سازمان حسابرسی، صفحه ۳۹.



#### ۴- یک نکته قابل ذکر و یک مثال

ظاهراً این چنین به نظر می‌رسد که مباحث عنوان شده در کتاب مورد بحث صرفاً ترجمای بوده است ساده و گذرا از متن اصلی کتاب، بدون اتخاذ یک شیوه تحلیلی یا حتی اشاره به قوانین و مقررات خاص حاکم بر کشور نویسنده که بکارگیری این چنین رویهای خصوصاً در نوشتن با عنوان «تالیف و ترجمه» برایهم مطالب عنوان شده افزوده است.

لذا جهت روشن شدن ذهن خواننده ذکر نکته‌ای همراه با یک مثال که در مباحث آتی نیز مورد استفاده خواهد بود، ضروری می‌نماید.

در قوانین تجاری برخی از کشورها نظیر آمریکا برای این قبیل شرکتها<sup>(۱)</sup> اصولاً شخصیت حقوقی مستقل قائل نشده‌اند و روشن است که این موضوع از بعد حقوقی و به تبع آن در رویه‌های مورد عمل حسابداری در این شرکتها موثر بوده است و اگر چه ضرورت این چنین بحثی ایجاب می‌کند که نهایتاً قوانین و مقررات حقوقی نیز مورد بررسی واقع و پایه‌های استدلالی آن نیز مطرح شود که ما نیز در قسمت آخر گفتارمان به آن خواهیم پرداخت. لیکن به منظور قضاوت نهائی به دستیابی به پایه و منطق روشنی نیازمند خواهیم بود که مبنای ارزیابی واقع شود و لذا مباحث عنوان شده تا

اینجای بحث کاملاً مستقل از قوانین و مقررات خاص حاکم به ایران یا سایر کشورها بود و ما بدنبال مبنایی منطقی و قابل قبول مستقلی در این رابطه بودیم و هر چه جای اشکال نخواهد بود که اگر برای اساس، نتیجه‌گیری شود که پارامی از رویه‌ها در برخی از کشورها، اصولی و قابل قبول نمی‌باشد.

بعبارت دیگر، این قوانین و رویه‌هاست که باید بریک منطق روشن و قابل قبول متکی باشد و اگر در مواردی این چنین نیست، ایراد بر آن قوانین و رویه‌ها وارد است و بدیهی است که با تمسک به برخی از قوانین و رویه‌ها نمی‌توان خلاء ناشی از نبودن یک منطق اصولی و قابل قبول را پوشاند. برای بدست دادن نمونه‌ای از تصویر یک منطق قابل قبول به ارائه یک

مثال می‌پردازیم.

– شرکای یک شرکت تضامنی توافق نموده‌اند که از سود حاصل شرکت ابتدا در صدی بعنوان بهره سرمایه منظور و باقیمانده به نسبت‌های خاص مقرر دیگری تقسیم شود.

حال با توجه به فرض فوق، ببینیم مقصود چیست؟

ورق بزنید

حسابداری است.<sup>(۲)</sup> ممکن است برخی به استناد قراردادی بودن این موارد یا به علت اختلاط بحث‌های حقوقی، بگونه‌ای دیگر و یا همسان بامولف نتیجه‌گیری نمایند. لذا لازم به ذکر است که این امکان وجود دارد که در پارامی موارد خاص، حق‌الزحمه شریکی، بصراحت در شرکتنامه تضمین شده باشد که در صورت اخیر و حالت‌های دیگر که ذیلاً به آن اشاره خواهد شد، قرارداد حالت خاصی دارد و اصولاً نتیجه با آنچه گفته شد متفاوت خواهد بود و جالب توجه اینکه حتی در این موارد نیز نتیجه حاصل با آنچه مولف بیان نموده است، یکسان نخواهد بود.

گاهی شرکا بدلائل خاصی که قبلاً نیز به آن اشاره شد، سعی در حفظ یا جذب شریک خاصی به شرکت دارند و به این منظور در شرکتنامه حق‌الزحمه، سهم سود یا جمع منافع سالانه وی را تا سقف رقم معینی تضمین می‌نمایند.

بدیهی است در این صورت، صرف ذکر تخصیص حق‌الزحمه یا نظائر آن به شریک کافی نیست و عبارت «تضمین کردن» یا مضامینی نظیر آن باید به صراحت در شرکتنامه قید شده باشد. در این گونه موارد:

اولاً: باید دانست که این گونه تضمینی توسط شرکت (به مفهوم شخصیت حقوقی مستقل) نه از جنبه حسابداری و نه از بعد حقوقی مورد ندارد و این در حقیقت سایر شرکا هستند که به نوعی سود شریک دیگری را تضمین می‌نمایند.

ثانیاً: در این حالت نیز نتیجه محاسبات بگونه دیگری خواهد شد، زیرا شریکی که قسمتی یا تمامی منافع ذکر شده وی (در هر صورت) تضمین شده باشد، منطقیاً خود حاضر به تحمل قسمتی از زیان حاصل<sup>(۱)</sup> و به گونه‌ای که در مثال<sup>(۲)</sup> مورد بحث مولف بوضوح نشان داده شده است، نخواهد بود و در حقیقت این شرکای تضمین کننده هستند که باید به نسبت‌های مقرر (تقسیم سود و زیان) یا حتی نسبت‌های خاص<sup>(۳)</sup> دیگری، زیان حاصل بعلت پرداخت حق‌الزحمه را به تنهایی تقبل نمایند و به بیانی دیگر اینگونه توافقات امری شخصی بین شرکا تلقی می‌شود و فی‌الواقع این برخی از شرکای شرکتند که به عنوان نوعی قبول مسئولیت شخصی و قراردادی باید منافع تضمین شده شریک دیگری<sup>(۴)</sup> را تا سقف مقرر و از حساب شخصی خودشان تأمین نمایند که اینگونه تعدیلات علی‌الاصول از طریق حساب جاری شرکا<sup>(۵)</sup> انجام می‌پذیرد.

نتیجه آنکه بدیهی است در اینگونه موارد خاص لازم است عملیات تقسیم سود بر مبنای توافق‌های خاص بعمل آمده انجام پذیرد. اما خوانندگان انصاف خواهند داد که در هیچ بحثی موارد خاص نباید و نمی‌تواند مبنای استنتاج یک رویه کلی و اصولی واقع شود، مگر آنکه بگوئیم تقسیم سود در شرکت‌های غیرسهامی تابع هیچ رویه اصولی و مشخص نمی‌باشد و صرفاً متأثر از قرار داد فی مابین شرکاست که در آن صورت نیز مولف نمی‌توانسته حکم قطعی صادر نماید (که نموده است).

شرکا که مولف در تمامی بحث خود توجهی به آن نداشته است و شاید همین مسئله یکی از عوامل نتیجه‌گیری‌های نادرست بوده باشد، خواهیم پرداخت.

(۱) فرض اصولی بر این است که شرکتنامه‌های معمول بر اساس شناخت و درک از مباحث حقوقی و رویه‌های متداول حسابداری تنظیم گردیده است.

(۲) که در حقیقت به علت اختصاص حق‌الزحمه تضمین شده خودش ایجاد شده است.

(۳) جدول (۳-۱۱) ص ۳۸ نشریه

(۴) در حالت‌هایی حتی ممکن است که در شرکتنامه تصریح شده باشد که در صورت بروز این چنین حالتی کسری منافع تضمین شده شریک به نسبت‌های خاصی غیر از نسبت‌های سود و زیان مقرر شرکای باقیمانده تأمین شود که طبیعی است به استناد قرارداد باید اینگونه عمل شود.

(۵) منظور شریک یا شرکائی است که منافع آنان تضمین گردیده باشد.

(۶) در بخش سوم گفتارمان به تفاوت اصولی در حساب جاری شرکا و حساب سرمایه

# نقدی و نظری

روشن است که این توافق به معنی اتخاذ دومینا برای تقسیم سود است. حال فرض می‌کنیم که این شرکت در سالی با زیان مواجه شده باشد. در این صورت آیا نتیجه‌گیری زیر منطقی خواهد بود؟

«بهره سرمایه‌داری (یکی از میناها) منظور شود و نتیجتاً زیان حاصله باز هم افزایش یابد و آنگاه مانده زیان بدست آمده به نسبت‌های مقرر تقسیم شود»<sup>(۱)</sup> از گجای آن توافق این چنین نتیجه‌ای حاصل میشود!

در حقیقت، نتیجه بکارگیری این چنین رویه‌ای آن است که یکی از مینایی مورد توافق تقسیم سود (بهره سرمایه) مینای تقسیم سود واقع شود و آن دیگری (نسبت‌های سود و زیان) مینای تقسیم زیان قرار گیرد. واقعیت این است که در چنین حالتی اصولاً سودی وجود ندارد که بحث در مورد تقسیم آن مطرح شود و آنگاه به چنین نتیجه جالب توجهی نیز منجر گردد. حال اگر ما نخواهیم بگونه‌ای که قبلاً عنوان شد<sup>(۲)</sup> این زیان انباشته شود و اصرار داشته باشیم آنرا تقسیم نمائیم، لازم است دقیقاً در عکس حالت تقسیم سود حرکت کنیم و این حرکت معکوس دقیقاً یعنی این‌گونه: قسمتی از زیان را به نسبت سرمایه‌ها سرشکن کنیم و حصه باقیمانده را به نسبت‌های مقرر سود و زیان به حساب‌های شرکت منظور نمائیم. این مطلب را بالا رفته یک مثال عددی پی می‌گیریم:

الف و ب در یک شرکت تضامنی سهامند، سرمایه الف ۲۰ و سرمایه ب ۱۰ میباشد. مفاد شرکتنامه مقرر میدارد که بهره سرمایه سالانه به میزان ۱۰٪ سرمایه شرکت تعلق گیرد و نسبت تقسیم سود و زیان بین شرکت مساوی باشد.

فرض کنیم که در یک سال مالی شرکت مورد بحث ۵ ریال سود داشته باشد. در این حالت نتیجه تقسیم سود بشرح زیر خواهد بود:

سهم بابت باقیمانده سود	۲+	مجموع سهم الف از سود	۱=۳
سهم سود بابت سرمایه			
سهم بابت باقیمانده سود	۱+	مجموع سهم ب از سود	
سهم سود بابت سرمایه			

حال فرض می‌کنیم که در همین سال بجای ۵ ریال سود، ۵ ریال زیان حاصل شده باشد. چون ۵ ریال زیان عکس هر ریال سود است، پس منطق قابل قبول در تقسیم زیان نیز معکوس حرکت تقسیم سود خواهد بود. بدین شرح:

سهم بابت باقیمانده زیان	۲+	مجموع سهم الف از زیان	۱=۳
سهم زیان بابت سرمایه			
سهم بابت باقیمانده زیان	۱+	مجموع سهم ب از زیان	
سهم زیان بابت سرمایه			

(۲) آنگونه که در نشریه حسابدار مالی جلد دوم و بعضی نوشته‌های دیگر آمده است.

(۳) همانگونه که قبلاً اشاره شد، رویه اصولی این است که زیان حاصل انباشته و از محل سود سالهای آتی مستهلک شود و منظور از فرض فوق نشان دادن نتیجه منطقی است که در صورت اصرار به تقسیم زیان حاصل خواهد شد.

بر این مبنا و برای توضیح بیشتر، اگر ما فرض کنیم در مثال فوق سال اول ۵ ریال زیان و سال دوم ۵ ریال سود حاصل شود و دوره مالی را دوساله فرض کنیم، نتیجه تقسیم سود در پایان دوره دو ساله دقیقاً مطابق نتیجه بدست آمده بشرح فوق خواهد بود. یعنی سود یا زیانی به هیچیک از شرکت‌ها تعلق نخواهد گرفت و باید اینگونه نیز باشد، زیرا نتیجه عملیات در پایان یک دوره دو ساله صفر است. این نتیجه دقیقاً مصداق بام بیش و برف بیش یا همان مفهوم منطقی ریسک پذیری در سرمایه‌گذاری تجاری است در صورتیکه بر اساس میناهای بکار گرفته شده در کتاب مورد بحث و سایر نظرات و نوشته‌های مشابه آن نتایج حاصل در تضاد آشکار با یک منطق قابل قبول خواهد بود و اگر دور مالی را دوساله فرض کنیم، نتیجه کاملاً با فرض دو دوره یکساله متفاوت خواهد بود، چون حالت وجود سود مشابه مینای ذکر شده فوق است. کفایت برای نشان دادن نتیجه، حالت زیان بر مینای فوق بشرح زیر ارائه شود:

سهم از زیان باقیمانده	۲-	مجموع سهم الف از زیان	۴=۲
سهم سود بابت سرمایه			
سهم از زیان باقیمانده	۱-	مجموع سهم ب از زیان	۴=۳
سهم سود بابت سرمایه			

تنها نکته قابل ذکر باقیمانده که شاید تنها توجیه بکارگیری رویه اخیر نیز باشد، این‌گونه:

ممکن است در برخی از کشورها، بر اساس قوانین، عرف و رویه‌های خاص متداول، و یاروشن‌تر از آن اصولاً بر اساس قرار داد فی‌مابین شرکت‌ها، تخصیص بهره سرمایه در هر صورت (حتی وجود زیان)، قانوناً، مقرر یا حتی عرفاً ضروری باشد.

در این حالت، صورت مسئله تغییر می‌یابد و بحث تضمین پرداخت بهره سرمایه مطرح میشود. بدیهی است که شرکت (با فرض تفکیک شخصیت) نمی‌تواند متعهد این چنین تضمینی باشد، زیرا اگر قبول داشته باشیم که در مفاهیم قابل قبول حسابداری برخلاف علم اقتصاد، بهره سرمایه هیچگاه هزینه تلقی نگردیده است و جزئی از موافقتنامه تقسیم سود است، آنگاه باید بپذیریم که این چنین تضمینی، مقرر یا عرفاً فی‌مابین شرکت‌هاست.

و روشن است که ما نیز معتقدیم در تمامی حالت‌های یاد شده در بالا لازم است بهره سرمایه تخصیص یابد. اما چگونه؟ نه از طریق صورت‌حساب تقسیم سود و کم کردن بهره سرمایه از زیان<sup>(۱)</sup> و مالاً افزایش زیان<sup>(۲)</sup> و جالبتر از آن سرشکن کردن زیان حاصل به سرمایه شرکت<sup>(۳)</sup>؟! بلکه در این صورت لازم است، تعدیلات مربوط به تخصیص بهره سرمایه از طریق حساب جاری شرکت<sup>(۴)</sup> انجام پذیرد. ■

(پایان بخش اول)

(۱) صرفاً هزینه است که می‌تواند زیان را افزایش دهد.  
(۲) رویه‌ای که در نشریه حسابداری مالی جلد دوم به همان ترتیب که فوقاً بیان شد، بوضوح نشان داده شده است.  
(۳) بحث تفاوت‌های اصولی بین حساب جاری و سرمایه شرکت در قسمت سوم خواهد آمد.



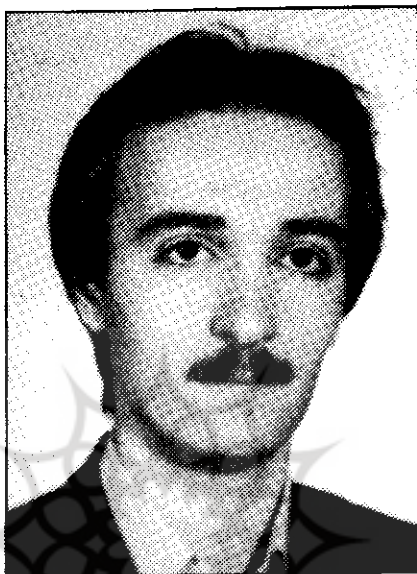
# اخبار انجمن



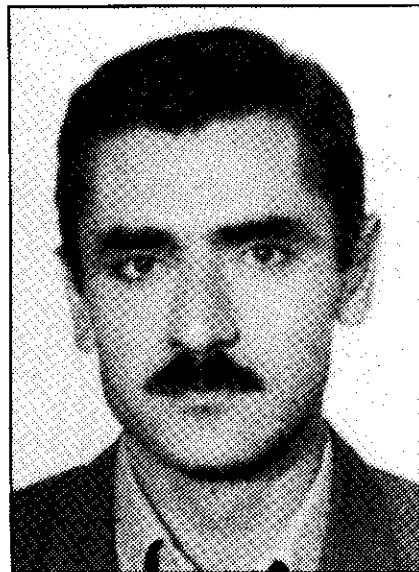
● اسامی اعضای جدید انجمن با مدرک تحصیلی و محل کار آنان به شرح زیر توسط دبیرخانه انجمن در اختیار ما گذارده شده است:



● **مهران وکیلی**  
لیسانس  
شرکت بهمن



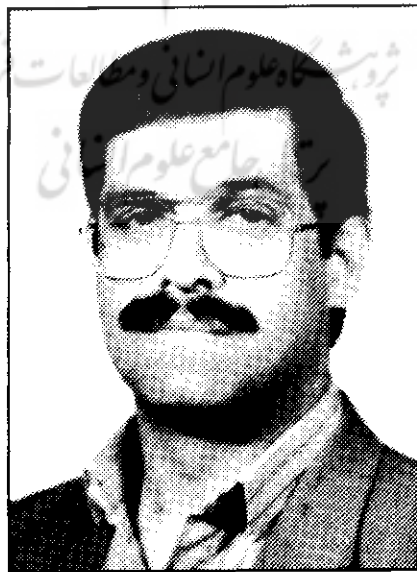
● **حمیدرضا اصغری**  
لیسانس  
سازمان حسابرسی



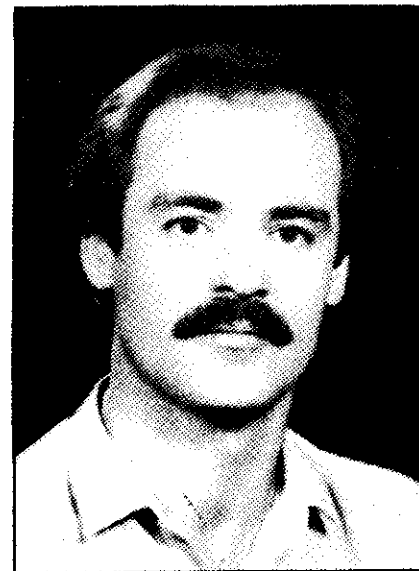
● **حسین صفوی نژاد**  
فوق لیسانس  
شرکت دخانیات ایران



نام آقای رسول محمدی سالک بنا  
به درخواست خودشان از لیست حسابداران  
مستقل حذف گردید.



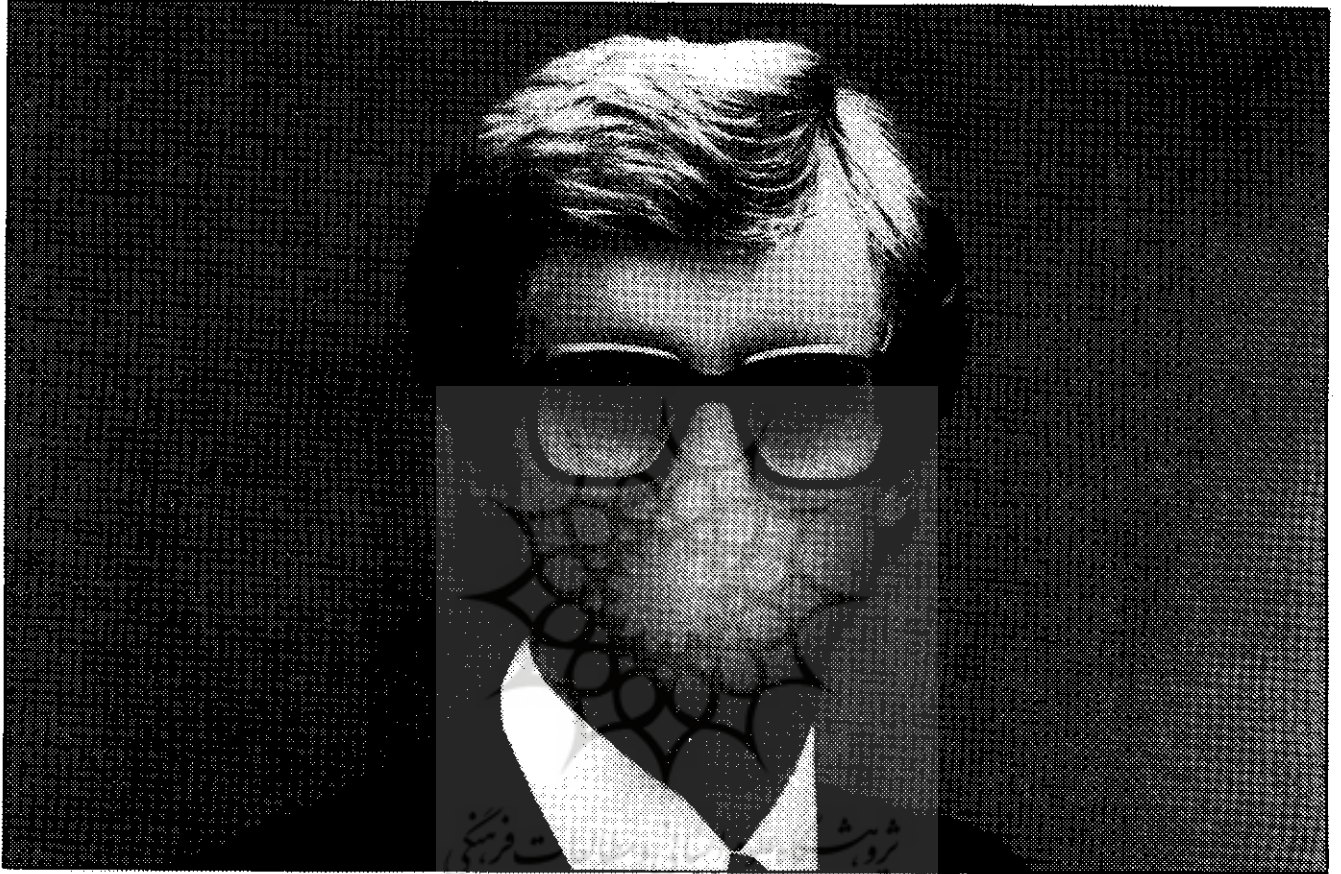
● **بهمن خداخواه**  
لیسانس  
شرکت برق منطقه ای آذربایجان



● **سلمان سریع الاطلاق فرد**  
لیسانس  
نانک صادرات ایران



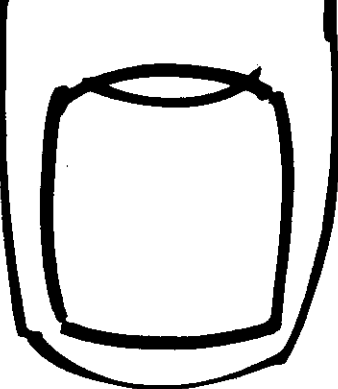
## ماجراهای بنده



مدتها بود دوستان و نزدیکان که می‌دانستند «بنده» یک موقع کار معلمی می‌کرده‌ام به «بنده» ایراد می‌گرفتند که دیگر چرا حاضر به تدریس نیستم. «بنده» هم به هر یک جوابی می‌دادم و در حقیقت طفره می‌رفتم. چند روز پیش که دوستی (با دست گچی) در همین مورد بند کرد به «بنده»، دیگر از کوره در رفتم. گفتم استاد عزیز تو که خودت این کاره‌ای چرا اصرار می‌کنی؟ مگر «داستان تعویض رویه میل»<sup>(۱)</sup> یادت رفته است؟ اگر مقصود دیگری داری رک و راست بگو! می‌توانم عیناً داستان نقاشی منزل، تعمیر ماشین، سرویس کولر، شهریه غیراجباری مدرسه بچه‌ها یا هزار و یک مطلب دیگر را برایت بنویسم که خودت هم از سرکلاس رفتن پشیمان شوی و فاتحه بیست و پنج سال



# تدریس



## ۱. داستان تعویض رویه مبل

در تیرماه دوم اسفند ماه گذشته برای اولین بار بعد از فقط دوماه تاخیر چک حق التدریس ترم اول سال ۶۶-۶۵ خود را مبلغ ۸۴۶۴۵ ریال دریافت کردم. طبعاً "خیلی خوشحال شدم. پستی خود فکر می‌کردم بالاخره پاداش زحمات انسان داده می‌شود! حالا اگر مبلغ کم و با تاخیر زیاد ولی بالاخره سوخت و سوز ندارد. بعد فکر کردم که خوب یک ترم دیگر هم گذشت، ۶۶ ساعت سرکلاس رفتیم (ساعتی ۱۴۲۵ ریال پس از کسر ۱۰٪ مالیات حقه دولت) و عمر را به بظالت نگذارندیم و خوب این هم پاسخ زحمات. دومرتبه فکر کردم دیدم خوب ۶۶ ساعت سرکلاس رفتن (آن هم با این دانشجویان سخت‌گیران روزی) حداقل ۶۶ ساعت هم که در منزل قبل از کلاس مطالعه می‌خواهد و بعد هم ورقه صحیح کردن و قبل از آن سوال امتحانی طرح کردن و آخر سر جواب دانشجویان تنبل رد شده را دادن و جان زدن و غیره غیره خیلی هم آسان نبوده است. باز دیدم یک چیزی، سببش یک فکری نوی کلام هنوز باقی مانده، بالاخره یاد آمد "رفت و آمد" و با این وضع بنزین و ماشین و تعمیر و ترافیک حتماً "برای ۳۳ جلسه حدود ۳۳ ساعت هم اینطور وقت برده اینکه سر به ۱۶۵ ساعت می‌زند که در عین حال باز هم چون چک در جیب بود می‌شد تا حدودی از خیر فکر و خیال و ادعای غبن گذشت.

به خانه رسیدم و خیر مسرت بخش وصول چک را به عیال دادم، او هم خیلی خوشحال شد! گفت خوب با این دستمزد های کار حسابرسی که نمی‌تواند به مخارج غیر ضروری فکر کرد و به قول مقاله نویس حسابدار "هیاهوی برای هیچ است" شاید بتوان با این درآمد متفرقه این رومبلی‌ها را عوض کرد. گفتم اولاً "صحیح است درآمد متفرقه نکنید که مالیاتش تصاعدی است تا ناسا" فکر بسیار خوبی کرده‌اید چون واقفاً این مبلغها بروریزی می‌کند از سن که پاره و خراب و ناچور شده‌اند.

خلاصه چه در دستان بدهم که این طرف و آن طرف آفاتی را سراغ گرفتیم که می‌گفتند کارش هر که است و چنین است و چنان. تلفن کردم آمد، آفاتی بود به از شما نماند بسیار خوشرو، با یک و است تویبوتای نوی نو آمد و در یک چشم بهم زدن مبلغا نوی وانت بود، گفتند خودتان رومبلی تهیه کنید تا من عوض کنم. از قضا چون در فکر این مسئله بودیم شبانه رومبلی را هم تهیه کردیم و دم در طازه تحویل ایشان دادیم. (قیمت پارچه مهم نیست و به این بحث ربطی ندارد و گرنه آن را هم تعریف می‌کردم تا گلی بخرندید). آفاتی یا خانمی که شما باشید فردای آن روز در کمال آسایش و آرامش و بدون میل سپری گردید. ولی از پس فردای آن روز یعنی درست فردای فردای آن روز آقای رویه کوب مبل تلفن پشت تلفن که چون مبلغا حاضر است می‌خواهم آنها را بیاورم اگر منزل هستند که بمانند تا بایم. خلاصه آوردند (یعنی درست یک روز کاری مبلغا خدمت ایشان بود) دیدیم واقفاً "درست تعریف کرده بودند و کار ایشان حرف ندارد مبلغا نوشته بودند.

باز به فکر کلاس افتادم و کار شرافتمندانه تدریس! و در این موالم بودم و می‌خواستیم دومرتبه تمام مسائل گذشته را بیاد بیاورم که عیال گفتند: کجاشی، بما حساب ایشان را تسویه کن که عجله دارند! تعارف کردم و نشستند و کلی صحبت کردیم وسط صحبتها یک جوری که به ایشان برسرخورد سوال کردم چقدر باید تقدیم کنم، فوراً یک فقره فاکتور (باشماره سریال چاپی و مهر و امضا) داخل پاکت تحویل دادند. باز کردم و خواندم. بعد دومرتبه خواندم جمع و تفریق کردم دیدم نه خیر اشتباه نشده، اینطور نوشته بود.

تعویض رویه مبل ۷ نفره هر نفر ۱۲۰۰۰ ریال جمع ۸۴۰۰۰ ریال  
رنگ قاپ دور مبل ۱۲۰۰۰ ریال  
بردن و آوردن مبلغا و حمل و نقل و غیره ۱۰۰۰۰ ریال  
جمع ۱۰۶۰۰۰ ریال

اشکال حسابدارها همین است دیگر رود حساب می‌کنند (۱۶۵ ساعت کار من ۱۰ ساعت کار رویه کوب مبل) شما اگر جای من بودید چکار می‌کردید؟ من هم همان کار را کردم، پول را آوردم و شمردم و تقدیم کردم. الان هم روی یکی از همان مبلغا نشستم. جدا "خیلی خوب شده هر کسی هم که دیده خیلی تعریف کرده، به عیال گفتم "ولی کارش خیلی خوب بود. ما همه تعریف می‌کنند". بی مقدمه گفت: "ببین مگرتو سرکلاس بد درس می‌دهی؟" دیدم بی خود خودم را سبک کردم (می‌خواستم با این حرف او را هم دلداری بدهم) او خودش از من هم زخم خورده تر بود. دیگر فرقی نمی‌کند شما می‌توانید تاسف بخورید یا حتی بخرندید ولی واقعیت را نمی‌توانید عوض کنید.

با تقدیم احترام  
امضا- محفوظ

سابقه کار دانشگاهی را بخوانی و از مشتریان پرو پا قرص بورس تهران بشوی ها!

گفت: نه بابا وضع خیلی بهتر شده. حقوقها و حق التدریس ها دوسه برابر شده.

«بنده» گفتم: دستمزد تعویض رویه مبل و نقاشی و تعمیر و سرویس هم چهار پنج برابر شده!

گفت: بیا از وقت آزاد خودت استفاده کن و در دانشگاه آزاد چند ساعتی در هفته مشغول شو.

«بنده» گفتم: وقتی این کار را می‌کنم که با حق التدریس یک ترم آن بشود یک ماهی آزاد خرید!

گفت: بابا مادیات را فراموش کن، باید خدمت کرد! دانشگاه تهران چطور است؟

«بنده» گفتم: باشد وقتی که «شهردار» رئیس دانشگاه شد، مجانی حاضر به خدمتم!

گفت: دانشگاه الزهرا که خودت هم مدتی اونجا «حسابداری» می‌گفتی چی؟

«بنده» گفتم: اصلاً حرفش را هم نزن! آخر ترم که می‌شد یکی می‌گفت: «آقا بچه ام مریض بود، امتحانم خراب شد، نمره بدین».

اون یکی می‌گفت «آقا شوهرم همیشه مأموریت، اعصابم خراب است، اگر نمره ندین سه ترمه می‌شم».

گفت: حداقل مثل خیلی از دوستان برای ایجاد پرستیژ اجتماعی هم که شده چند ساعتی مشغول شو!

«بنده» گفتم: اتفاقاً برای حفظ پرستیژ اجتماعی هم که شده حاضر نیستم همکار بعضی از دوستان بشوم!

گفت: نمی‌دانستم اینقدر منفی باف و لجباز هستی!

«بنده» گفتم: ولی حتماً می‌دانستی که اجاره نشین و مفلس ام!

گفت: حوصله ام رو سر بردی. آخرین پیشنهاد! دانشکده حسابداری شرکت نفت! هم اونجا درس خوانده‌ای و هم پرستیژش خوب است و هم استاتیدش همه مورد قبولند، بموقع هم پول می‌دهند!

«بنده» گفتم: بیست:

یک چند به کودکی به استاد شدیم

یک چند زاستادی خود شاد شدیم  
بایان سخن شنو که ما را چه رسید  
چون آب برآمدیم و چون باد شدیم

# حسابداری اجاره به شرط

## تملیک

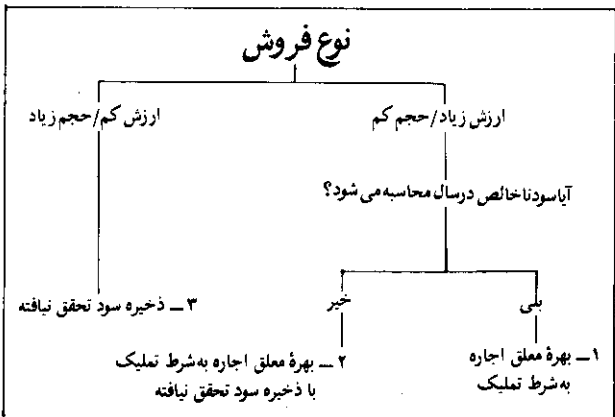
نوشته: جان ای دان<sup>۲</sup>

ترجمه: مسعود دادگر<sup>۳</sup>

محاسبه بهای فروش کالا در اجاره به شرط تملیک به این ترتیب است:

× ×	بهای تمام شده برای فروشنده
× ×	اضافه می شود: سود ناخالص
—	
× × ×	بهای فروش نقدی
× ×	اضافه می شود: بهره باز پرداخت بهای فروش
—	
× × ×	بهای فروش
==	

چنانکه محاسبه بالا نشان می دهد، در اجاره به شرط تملیک دو نوع درآمد عاید فروشنده می گردد که شامل سود ناخالص فروش کالا و بهره باز پرداخت بهای فروش نقدی است و این حالت مشکلی جدی برای حسابداران در مورد زمان شناسایی درآمد بوجود می آورد و از این جهت اغلب حسابداران دچار سردرگمی می شوند. شکل زیر روش های متفاوتی را نشان می دهد:



«اجاره به شرط تملیک»<sup>۴</sup> یکی از طرق متداول تأمین منابع مالی است که در آن اشخاص حقیقی یا حقوقی انواع کالاها را اعم از مصرفی یا سرمایه ای، برای فروش یا استفاده در جریان فعالیتهای خود خریداری می نمایند. اجاره به شرط تملیک به روش های متعددی انجام می شود که در این مقاله سه روش متداول را بررسی خواهیم کرد.

در اجاره به شرط تملیک کالای خریداری به موجب قراردادی که بین فروشنده و خریدار منعقد می گردد، تا زمانی که آخرین قسط آن پرداخت نگردد، از نظر حقوقی متعلق به فروشنده است و مفاد قرارداد از حقوق فروشنده در مقابل هر گونه سوء استفاده احتمالی خریدار حمایت می کند. لکن پس از تحقق کلیه شرایط قرارداد و انجام شدن تعهدات خریدار، کالای موضوع قرارداد به تملک کامل خریدار درمی آید. بعبارت دیگر، در این شکل از معامله تجاری، در واقع فروشنده وامی معادل بهای فروش نقدی کالای مورد معامله به خریدار اعطا می کند تا خریدار به تحصیل دارائی مورد نظر قادر گردد. بدیهی است که مبلغ قرارداد، بهره باز پرداخت وام را نیز در برمی گیرد. از آنجا که شرایط قرارداد در اجاره به شرط تملیک در هر مورد ممکن است با موارد دیگر تفاوت داشته باشد، بنابراین حسابداری این نوع معامله تجاری اصولاً از شرایط و مفاد قرارداد تبعیت می کند.

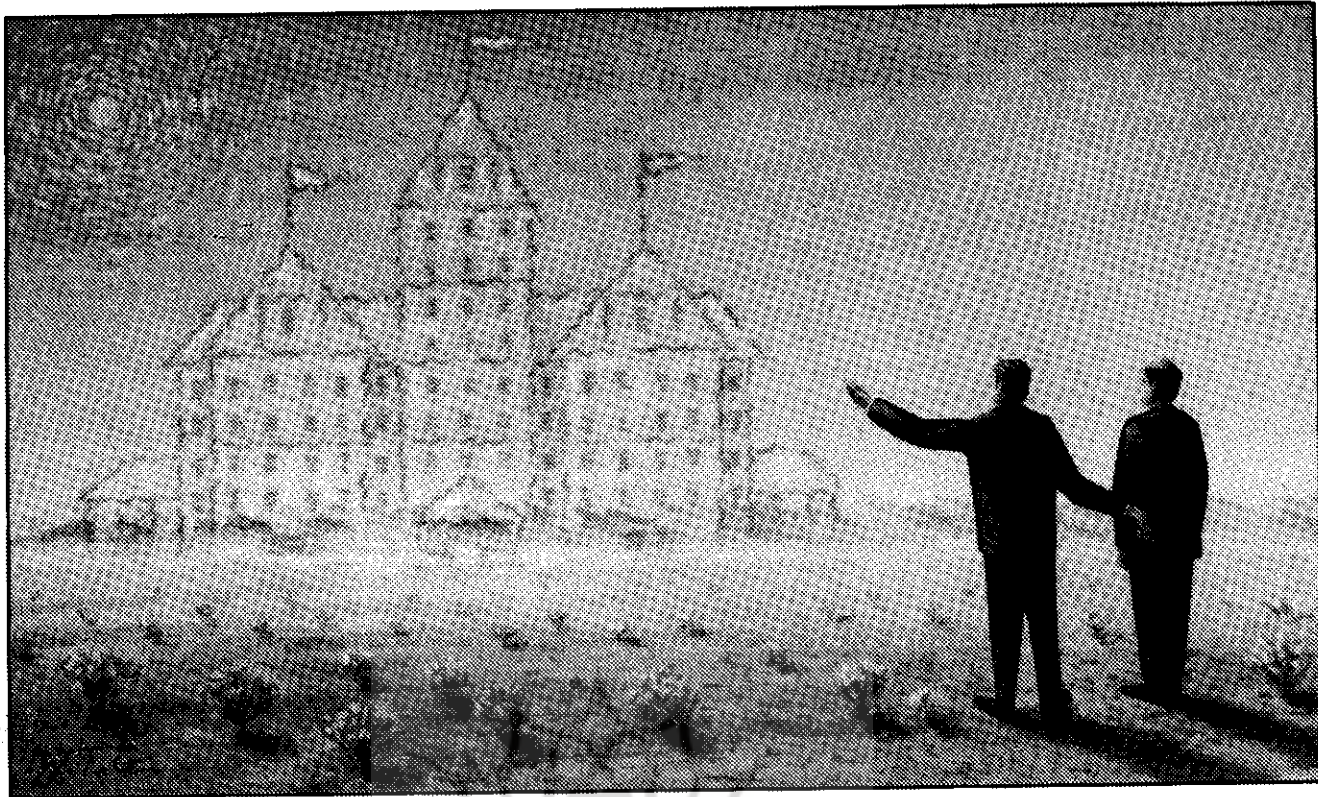
(۱) نقل از Students' Newsletter, December 1987.

(۲) جان ای دان، مدرس رشته حسابداری کالج نابی بر در دینبورگ است.

(۳) مترجم در ترجمه این مقاله از راهنماییهای آقایان غلامرضا سلامی و محمد شلیله بهره مند گردیده است و از آنان بسیار سپاسگزار است.

(۴) Hire Purchase (HP)





استفاده از روشهای (۱) و (۲) نسبت به روش (۳) مستلزم دقت بیشتری است. لذا این دو روش بیشتر توسط شرکتهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که حجم فروش کمتری دارند. استفاده از این روشها ساده است و صرفاً نیازمند دقت در جزئیات قرارداد اجاره است. در حالیکه چنانچه جزئیات امر در قرارداد به روشنی تصریح نگردد، استفاده از روش (۳) اجتناب ناپذیر بنظر می‌رسد.

### روش (۱): بهره‌معلق اجاره به شرط تملیک

در این روش فرض می‌شود که کلیه سود ناخالص موضوع قرارداد در دوره حسابداری که قرارداد در این دوره تنظیم گردیده است، حاصل می‌گردد و بهره اجاره به شرط تملیک به محض حصول بعنوان درآمد شناسائی می‌شود. عملیات حسابداری مربوط به این روش به ترتیب زیر انجام می‌گردد:

#### — همزمان با انعقاد قرارداد:

بدهکار	بستانکار	معادل
(۱) بدهکاران اجاره به شرط تملیک	فروش اجاره به شرط تملیک	قیمت فروش نقدی
(۲) بدهکاران اجاره به شرط تملیک	بهره‌معلق اجاره به شرط تملیک	معادل کل بهره اجاره به شرط تملیک

#### — هم زمان با پرداخت اقساط قرارداد:

بدهکار	بستانکار	معادل
(۳) بانک	بدهکار اجاره به شرط تملیک	معادل اقساط پرداخت شده

#### — پایان سال:

بدهکار	بستانکار	معادل
(۴) بهره‌معلق اجاره به شرط تملیک	سود زیان	بهره مربوط به دوره مالی

شماره پنجم و ششم

(۵) عملکرد اجاره به شرط تملیک	عملکرد کل	معادل قیمت تمام شده (برای فروخته شده)
(۶) فروش اجاره به شرط تملیک	عملکرد اجاره به شرط تملیک	کلیه کالاهای فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک
		کلیه فروشهای اجاره به شرط تملیک

چون انجام دادن عملیات حسابداری فوق قدری پیچیده به نظر می‌رسد، روش کار را به طرز ساده‌تر شرح می‌دهیم:

مرحله ۱: قرارداد اجاره به شرط تملیک را مانند یک فروش با قیمت نقدی ثبت کنید و برای هر یک از طرفهای قراردادها حساب جداگانه‌ای در نظر بگیرید.

مرحله ۲: کل بهره‌ای را که بدهکاران اجاره به شرط تملیک باید در طول مدت قرارداد پرداخت کنند، ثبت کنید. هدف این مرحله، برقراری امکان کنترل میزان کل بهره اجاره به شرط تملیک پرداخت شده توسط بدهکار در پایان مدت قرارداد می‌باشد، بطوریکه در آن هنگام مانده حساب وی باید صفر گردد، بعلاوه برای هر قرارداد حساب جاری جداگانه در نظر گرفته شود.

مرحله ۳: کل مبلغ دریافت شده از بدهکار را ثبت کنید.

مرحله ۴: بهره دریافتی از اجاره به شرط تملیک در طول سال را از حساب بهره‌معلق اجاره به شرط تملیک به حساب سود و زیان جاری انتقال دهید.

مرحله ۵: بهای تمام شده کالای فروخته شده در اجرای قرارداد اجاره به شرط تملیک را از حساب عملکرد کل به حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک انتقال دهید. این عمل بمنظور تفکیک سود ناخالص فروشهای نقدی و فروشهای اجاره به شرط تملیک ضرورت دارد.

مرحله ۶: فروشهای اجاره به شرط تملیک را به حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک انتقال دهید.

بنابراین در این زمان حساب جاری بدهکاران اجاره به شرط تملیک، کل مبلغ دریافتی از بدهکار (خریدار) را که شامل بهره دریافتی نیز می‌باشد، نشان می‌دهد.

معاملات اجاره به شرط تملیک در صورت حسابهای حسابداری به شرح زیر منعکس می‌گردد:

ورق بنزید

حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک:

(۱) سود ناخالص حاصله از قراردادهای اجاره به شرط تملیک که در طول سال ایجاد شده است.

(۲) بهره اجاره به شرط تملیک حاصل در طول سال.

ترازنامه:

بهای فروش نقدی کلای فروش رفته از طریق اجاره به شرط تملیک که تا تاریخ ترازنامه وصول نشده است، مانند یک دارایی جاری نشان داده می شود. این مبلغ به شرح زیر محاسبه می گردد:

مانده حساب بدهکاران اجاره به شرط تملیک	× × ×
کسر می شود: مانده حساب جاری بهره معلق اجاره به شرط تملیک	× ×
مانده قسمت فروش نقدی دریافتی	× ×

مثال: شرکتی یک ماشین را به قیمت فروش نقدی ۵۷,۱۳۰ پوند می فروشد. این ماشین را می توان از طریق اجاره به شرط تملیک کلاً به قیمت ۷۵,۰۰۰ پوند خریداری نمود که قیمت مزبور شامل ۱۵,۰۰۰ پوند پیش پرداخت نقدی و پرداخت ۳ قسط سالانه هر یک بمبلغ ۲۰,۰۰۰ پوند است. نرخ بهره اجاره به شرط تملیک در دوره های مربوطه معادل ۲۰٪ است. شرکت سود ناخالص عملیات را در زمان فروش شناسایی می کند و بهره در زمان تحصیل شناسایی می شود. این شرکت ماشینی را در تاریخ ۱/۱/۱۹۸۷ بصورت اجاره به شرط تملیک فروخت، قابل ذکر است که کلیه فروشهای دیگر این شرکت بصورت نقدی انجام گردیده است.

حساب جاری بدهکار اجاره به شرط تملیک و حساب جاری بهره اجاره به شرط تملیک به صورت زیر منعکس می گردد:

### حساب بدهکار اجاره به شرط تملیک

پوند	پوند
۸۷/۱/۱ فروشهای اجاره به شرط تملیک	۵۷,۱۳۰
۸۷/۱/۱ بهره معلق اجاره به شرط تملیک	۱۵,۰۰۰
۸۷/۱/۱ مانده نقل از سال قبل	۱۷,۸۷۰
۸۷/۱/۲ سود و زیان	۲۰,۰۰۰
۸۷/۱/۲ مانده نقل به سال بعد	۴۰,۰۰۰
۸۷/۱/۱ مانده نقل از سال قبل	۷۵,۰۰۰
۸۸/۱/۲ سود و زیان	۲۰,۰۰۰
۸۸/۱/۲ مانده نقل به سال بعد	۴۰,۰۰۰
۸۸/۱/۱ مانده نقل از سال قبل	۴۰,۰۰۰
۸۹/۱/۲ سود و زیان	۲۰,۰۰۰
۸۹/۱/۲ مانده نقل از سال قبل	۲۰,۰۰۰

### حساب بهره معلق اجاره به شرط تملیک

پوند	پوند
۸۷/۱/۱ مانده معلق اجاره به شرط تملیک	۱۷,۸۷۰
۸۷/۱/۱ مانده معلق اجاره به شرط تملیک	۸,۴۲۶*
۸۷/۱/۲ سود و زیان	۲۶,۲۹۶

۸۷/۱/۲ مانده نقل به سال بعد ۹,۴۴۴

۱۷,۸۷۰	۱۷,۸۷۰
۸۸/۱/۲ سود و زیان	۶,۱۱۱*
۸۸/۱/۲ مانده نقل به سال بعد	۳,۳۳۳
۸۸/۱/۱ مانده نقل از سال قبل	۹,۴۴۴
۸۹/۱/۲ سود و زیان	۳,۳۳۳
۸۹/۱/۱ مانده نقل از سال قبل	۳,۳۳۳

فرض کنید که قیمت تمام شده اولیه ماشین برای شرکت ۵۰,۰۰۰ پوند باشد و فروشهای اجاره به شرط تملیک در طول سال های ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ وجود نداشته باشد، در اینصورت عملیات بالا بصورت زیر در حساب سود و زیان جاری و ترازنامه منعکس می گردد:

### حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک

۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷
پوند	پوند	پوند
-	-	۵۷,۱۳۰
-	-	۵۰,۰۰۰
-	-	۷,۱۳۰
۳,۳۳۳	۶,۱۱۱	۸,۴۲۶
۳,۳۳۳	۶,۱۱۱	۱۵,۵۵۶

فروشهای اجاره به شرط تملیک  
قیمت تمام شده فروشهای اجاره به شرط تملیک  
سود ناخالص فروشهای اجاره به شرط تملیک  
بهره اجاره به شرط تملیک  
سود کل در عملیات اجاره به شرط تملیک

سود کل محاسبه شده باید به حساب سود و زیان جاری انتقال یابد.

قسمتی از ترازنامه

۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷
پوند	پوند	پوند
-	۲۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰
-	۳,۳۳۳	۹,۴۴۴
-	۱۶,۶۶۷	۳۰,۵۵۶

بدهکاران اجاره به شرط تملیک  
کسر می شود: بهره معلق اجاره به شرط تملیک

### روش ۲: بهره معلق اجاره به شرط تملیک -

با ذخیره سود تحقق نیافته

این روش شکلی محافظه کارانه تر از روش (۱) است. در این روش نیز از ۶ مرحله

محاسبه بهره تحقق یافته بسیار ساده است، به این ترتیب که معادل ۲۰٪ فروش نقدی برای هر سال محاسبه می گردد. برای مثال، فروش نقدی سال ۱۹۸۷ معادل ۴۲/۱۳۰ پوند (۱۵۰۰۰ - ۵۷/۱۳۰) می باشد که بهره تحقق یافته آن معادل ۸/۴۲۶ پوند (۲۰٪ × ۴۲/۱۳۰) می گردد. مانده حساب جاری بدهکار اجاره به شرط تملیک در ابتدای سال ۱۹۸۸ معادل ۴۰,۰۰۰ پوند و مانده حساب جاری بهره معلق اجاره به شرط تملیک معادل ۹,۴۴۴ پوند بود، لذا فروش نقدی بالغ بر ۳۰,۵۵۶ پوند (۹,۴۴۴ - ۴۰,۰۰۰) می گردد که ۲۰٪ این مبلغ معادل ۶/۱۱۱ پوند می شود.

سود کل عملیات اجاره به شرط تملیک

توجه داشته باشید که کل سود تشخیص شده در دوره سه ساله معادل ۲۵,۰۰۰ پوند بوده که بدون تغییر باقی مانده است و تغییرات فقط در زمان تحقق سود واقع گردیده است.

### خلاصه ترازنامه

۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	
پوند	پوند	پوند	
—	۲۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	بدهکاران اجاره به شرط تملیک
—	۳,۳۳۳	۹,۴۴۴	کسر می شود: بهره معلق اجاره به شرط تملیک
—	۱۶,۶۶۷	۳۰,۵۵۶	
—	۲,۰۸۰	۳,۸۱۳	کسر می شود: ذخیره سود تحقق نیافته
—	۱۴,۵۸۷	۲۶,۷۴۳	

انتخاب بین روشهای ۱ و ۲ بستگی به نحوه تعیین سود ناخالص دارد، روش شماره (۱) هنگامی به کار برده می شود که تمام سود ناخالص یکباره و یکجا تعیین گردد و روش شماره (۲) زمانی بکار گرفته می شود که سود ناخالص در سنوات مدت قرارداد تعیین شود.

روش ۳: ذخیره سود تحقق نیافته

این روش زمانی بکار گرفته می شود که ریز اطلاعات مخصوص عملیات اجاره به شرط تملیک در اختیار نباشد، روش مزبور بیشتر برای خرده فروشانی که ممکن است تعداد اقلام زیاد ولی کم ارزش را از طریق اجاره به شرط تملیک بفروشند، مناسب است. در این روش با توجه به تناسب نبودن نمایز بین سود ناخالص و بهره حاصل، اطلاعات کمتری در مورد معامله نسبت به روشهای ۱ و ۲ وجود دارد ولی بهر حال این مزیت را دارد که مراحل محاسبه سود سال را کاهش می دهد. همانطور که در روش شماره (۲)، سود پس از دریافت نقدی تحقق یافته تلقی می گردید، فروشها نیز به قیمت فروش اجاره به شرط تملیک در سالی که قرارداد منعقد گردیده است، ثبت می شود. ایجاد ذخیره در قبال سود وصول نشده، موجب کاهش مبلغ کل بدهکاران معلق اجاره به شرط تملیک و در نتیجه کاهش قیمت کالای فروش رفته به مبلغ خالص آن می گردد.

### مراحل اساسی: وقتی کالاها به فروش رسیده باشد:

بدهکار	بستانکار	معادل
۱- بدهکاران اجاره به شرط تملیک	فروشهای اجاره به شرط تملیک	قیمت فروش اجاره به شرط تملیک
وقتی وجوه نقد دریافت می گردد:		
بدهکار	بستانکار	معادل

۲- بانک بدهکاران اجاره به شرط تملیک کلیه سپرده ها و اقساط دریافت

این مانده های پایانی حاصل تقسیم تفاضل مانده های حساب جاری بدهکاران اجاره به شرط تملیک و حساب جاری بهره معلق اجاره به شرط تملیک بر بهای فروش نقدی و سپس ضرب این حاصل تقسیم در سود ناخالص می باشد.

بهای فروش نقدی ۵۷,۱۳۰ پوند است، بنابراین سود ناخالص ۷,۱۳۰ = ۵۷,۱۳۰ - ۵۰,۰۰۰ پوند می شود، لذا مانده پایان سال ۱۹۸۷ برابر است با:

$$40,000 - 9,444 \times 7,130 = 3,813$$

ورق بزنید

تشریح شده در روش قبل استفاده می گردد، لیکن حساب سود تحقق نیافته به آن اضافه می شود، هدف این حساب اضافی، تخصیص سود ناخالص حاصل از هر یک از عملیات در مدت قرارداد است. این نحوه تخصیص سود به نسبت بهای فروش نقدی پرداخت شده توسط مشتری صورت می پذیرد.

هنگامی که مراحل ۱ تا ۶ کامل شد، مانده پایانی حساب سود تحقق نیافته از رابطه ساده زیر محاسبه می گردد:

$$\text{سود ناخالص} \times \frac{\text{بهای معلق اجاره به شرط تملیک} - \text{بدهکاران اجاره به شرط تملیک}}{\text{بهای فروش نقدی}} = \text{سود ناخالص} \times \frac{\text{مانده بهای فروش نقدی پرداخت نشده}}{\text{بهای فروش نقدی}} = \text{مانده پایان دوره سود تحقق نیافته}$$

این حساب بطور خودکار، درست به همان طریقی عمل می کند که حساب ذخیره؛ یعنی در حالیکه حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک را تعدیل می کند، مانده آن در ترازنامه از بدهکاران اجاره به شرط تملیک کسر می گردد. اگر در مثال بالا مشخص گردیده بود که سود ناخالص باید به تناسب دریافت نقدی تعیین گردد. حساب جاری بدهکاران اجاره به شرط تملیک و حساب جاری بهره معلق اجاره به شرط تملیک هر دو باید بدون تغییر باقی بمانند. بهر حال حساب دیگری باید بمنظور انعکاس تغییر شرایط حسابداری ایجاد شود که این مسئله بشرح زیر منعکس گردیده است:

### حساب ذخیره سود تحقق نیافته

پوند	پوند
۳,۸۱۳	۸۷/۱۲/۳۱ از حساب عملکرد
—	اجاره به شرط تملیک
—	۸۸/۱۲/۳۱ حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک
۳,۸۱۳	۸۸/۱/۱ مانده نقل از سال قبل
—	۲,۰۸۰
—	۸۹/۱۲/۳۱ حساب عملکرد
۲,۰۸۰	۸۹/۱/۱ مانده نقل از سال قبل
—	اجاره به شرط تملیک
—	خلاصه وضعیت حسابها به شرح زیر نشان داده می شود:

### حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک

۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	
پوند	پوند	پوند	
—	—	۵۷,۱۳۰	فروشهای اجاره به شرط تملیک
—	—	۵۰,۰۰۰	قیمت تمام شده فروشهای اجاره به شرط تملیک
—	—	۷,۱۳۰	سود ناخالص اجاره به شرط تملیک
۲,۰۸۰	۱,۷۳۳	(۳,۸۱۳)	(افزایش) / کاهش در ذخیره سود تحقق نیافته
—	—	—	
۲,۰۸۰	۱,۷۳۳	۳,۳۱۷	
۳,۳۳۳	۶,۱۱۱	۸,۴۲۶	بهره اجاره به شرط تملیک



در پایان سال:

پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۵۰۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک عملکرد کل	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک
	۵ در پایان سال مانده حساب جاری ذخیره سود تحقق نیافته براساس فرمول زیر محاسبه و تعدیل می‌گردد. نسبت دو طرفه این تعدیل با استفاده از حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک کامل می‌شود.		
	مانده پایانی ذخیره سود تحقق نیافته به شرح زیر محاسبه می‌گردد:		

(قیمت تمام شده - قیمت فروش اجاره به شرط تملیک) سود کل ×  
 بدهکاران اجاره به شرط تملیک  
 فروشهای اجاره به شرط تملیک

در روشهای ۱ و ۲ لازم است که حسابهای بدهکاران اجاره به شرط تملیک و ذخیره سود تحقق نیافته بطور جداگانه برای هر یک از عملیات اجاره به شرط تملیک نشان داده شود. استفاده از روش شماره (۳) می‌تواند کاملاً ترکیب سود را با استفاده از حساب جاری کنترل بدهکاران اجاره به شرط تملیک مشخص نماید. برای مثال، در طول سال منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۸۷ شرکتی تعداد زیادی وسائل خانگی را از طریق قراردادهای اجاره به شرط تملیک فروخت. کل قیمت فروش اجاره به شرط تملیک این اقلام بالغ بر ۵۰۰,۰۰۰ پوند و قیمت تمام شده اولیه آن معادل ۳۰۰,۰۰۰ پوند بوده است. در طول سال مبلغ ۴۰۰,۰۰۰ پوند از مشتریان به نسبت معاملات دریافت شده بود.

### کنترل بدهکاران اجاره به شرط تملیک (فروشهای ۱۹۸۷)

پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۴۰۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
۱۰۰,۰۰۰	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک
	۵ در پایان سال مانده حساب جاری ذخیره سود تحقق نیافته براساس فرمول زیر محاسبه و تعدیل می‌گردد. نسبت دو طرفه این تعدیل با استفاده از حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک کامل می‌شود.		
	مانده پایانی ذخیره سود تحقق نیافته به شرح زیر محاسبه می‌گردد:		

### فروشهای اجاره به شرط تملیک (فروشهای ۱۹۸۷)

پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۵۰۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک

### ذخیره سود تحقق نیافته (فروشهای ۱۹۸۷)

پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۴۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک

پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۴۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک

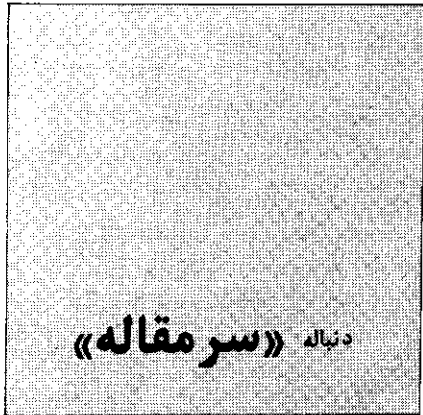
پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۵۰۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
۳۰۰,۰۰۰	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک
۲۰۰,۰۰۰	۵ در پایان سال مانده حساب جاری ذخیره سود تحقق نیافته براساس فرمول زیر محاسبه و تعدیل می‌گردد. نسبت دو طرفه این تعدیل با استفاده از حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک کامل می‌شود.		
۴۰,۰۰۰	مانده پایانی ذخیره سود تحقق نیافته به شرح زیر محاسبه می‌گردد:		
۱۶۰,۰۰۰			

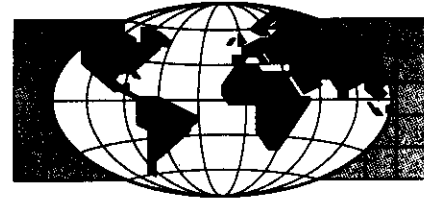
پوندد	بدهکار	معاادل	بستانکار
۱۰۰,۰۰۰	۳ عملکرد اجاره به شرط تملیک	قیمت تمام شده کالاهاى فروخته شده از طریق اجاره به شرط تملیک	
۴۰,۰۰۰	۴ فروشهای اجاره به شرط تملیک	مانده حساب جاری فروشهای اجاره به شرط تملیک در پایان سال	عملکرد اجاره به شرط تملیک
۶۰,۰۰۰	۵ در پایان سال مانده حساب جاری ذخیره سود تحقق نیافته براساس فرمول زیر محاسبه و تعدیل می‌گردد. نسبت دو طرفه این تعدیل با استفاده از حساب عملکرد اجاره به شرط تملیک کامل می‌شود.		

توجه کنید که به حسابهای کنترل جداگانه‌ای برای هر دوره حسابداری قرارداد نیاز داریم. در مورد سازمان خرده‌فروشی بعید است که متوسط مدت قرارداد متجاوز از دو یا سه سال باشد و بنابراین بعید است که مشکلات با اهمیتی بوجود آید.

این مانده از روی حاصل تقسیم مانده حساب کنترل بدهکاران اجاره به شرط تملیک (۱۰۰,۰۰۰ پوند) بر فروشهای اجاره به شرط تملیک (۵۰۰,۰۰۰ پوند)، ضرب در سود کل اجاره به شرط تملیک (۲۰۰,۰۰۰ - ۳۰۰,۰۰۰ = ۵۰۰,۰۰۰ پوند) محاسبه شده است.

یکی از مشکلات جامعه ما، مسئله آموزش به طور اعم و در حوزه کارما حسابداران، مشکل آموزش حسابداری است که رفع آن و تدوین برنامه تحول آن برای آینده برعهده ماست. حال اگر ما نیز به این مشکل صرفاً در محدوده حرفه خود پردازیم، حداکثر به آنجا خواهیم رسید که آن پزشک کانونی در محدوده دانش حرفه‌ای خود به آن رسید. یعنی آنکه در واقع به جایی نخواهیم رسید، تا مگر همچو او، پای از دایره نگرستن به معلول بیرون نهمیم و به علت بیندیشیم. ما در این شماره مشکل آموزش حسابداری را مورد توجه قرار داده و کوشیده‌ایم تا در حد امکان از جهات مختلف آن را بررسی کنیم. اما اذعان داریم که در نقش روابط عمومی حرفه حسابداری، صرفاً به طرح مسئله و جلب توجه مسئولین و حسابداران به این مهم پرداخته‌ایم و می‌دانیم که تا رسیدن به مرحله عمل راه درازی در پیش داریم.





## دنباله

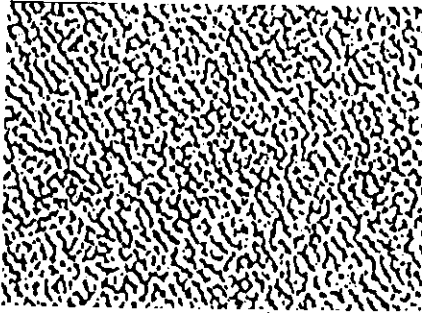
می‌رود که بسیاری از امور حسابداری و مشاوره مدیریت، به شرکتهای آمریکایی واگذار گردد. ■

### شرکت حسابداران در مسابقه دو ماراتون

اسمال، ۲۹ حسابدار در مسابقه دو ماراتون که در ۲۱ آوریل در لندن برگزار می‌شود شرکت می‌کنند، تا جهت «مرکز ملی معنادین» که برای اولین بار در بریتانیا ایجاد می‌گردد، پول گردآوری نمایند. مؤسسات بزرگ حسابداری و حسابرسی از قبیل «کو پرز دیلویت»، «آرتور اندرسون»، «ارنست اندیانگ»، «رستوی هیوارد» و «توش راس»، در این مسابقه شرکت خواهند کرد. ■

### بازار کار فارغ التحصیلان امور مالی و مدیریت در آمریکا

نمی‌توان باور کرد که فارغ التحصیلان دوره‌های مدیریت در آمریکا، این روزها به سختی استخدام می‌شوند. تا یک سال پیش، این فارغ التحصیلان، موقعیت‌های عالی در استخدام داشتند و ارقام حقوقی اکثر آنان، شش رقمی بود. ولی از بهار سال گذشته، این روند سیر نزولی داشته است، و در مرحله اول، شرکتهای کامپیوتری و بانکهای سرمایه گذاری و سپس، بانکهای تجاری و شرکتهای مشاوره‌ای، از استخدام مدیران جوان خودداری نمودند. آن شرکتهایی هم که این گونه فارغ التحصیلان را استخدام می‌کنند، مایل به استخدام افرادی هستند که انعطاف پذیری داشته، و فقط نمایل به

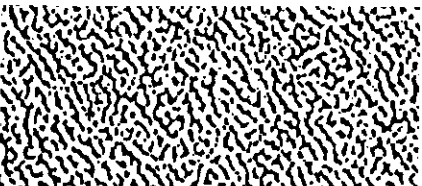


## اخبار کوتاه حسابداری و حسابرسی

موفقیت‌ها شده است. او که در لندن در یک خانواده هنگ کنگی به دنیا آمد، در آغاز جنگ جهانی دوم به هنگ کنگ عزیمت کرد و پس از خاتمه جنگ به انگلستان بازگشت.

وی که در ریاضیات بسیار قوی بود، مایل بود که تحصیلات خود را در این رشته ادامه دهد، ولی پدرش به وی گوشزد نمود که در این رشته، تنها کاری که می‌تواند انجام دهد، تدریس در دانشگاه خواهد بود و بنابراین، او وارد شرکت «کو پرز» شد. در آن دوران، جوانانی که دوره حسابداری را می‌گذراندند، مجبور بودند، علاوه بر انجام دادن کارهای اصلی، کارهای سبکی چون آوردن چای و غیره را نیز انجام دهند و برای شخص باهوش و فعالی مانند آقای لی، این کارهای بیهوده خسته کننده بود. به همین دلیل او به دانشگاه کیمبریج رفت، و در رشته اقتصاد و حقوق تحصیل کرد و همزمان، اولین امتحان حسابداری را نیز گذراند. سپس، دوباره به شرکت «کو پرز» بازگشت، و این بار، او را جدی‌تر گرفتند. سپس، دوره‌ای در کامپیوتر گذراند، و پس از مدتی به هنگ کنگ بازگشت، و تخصص‌های متعدد خود را در راه خدمت به کشور اصلی خود بکار گرفت.

او، یکی از معدود متخصصینی است که قصد ترک وطن را در سال ۱۹۹۷، وقتی که هنگ کنگ جزئی از کشور چین می‌شود، ندارد، و معتقد است که خدمات او در کشورش بیشتر مورد نیاز است. ■



انجام دادن کارهای مالی نداشته باشند. تجربه کاری و تخصص فنی، نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. دانشکده‌های مدیریت و امور مالی، در مقابل این نیازها عکس العمل نشان داده و دوره‌های خود را همگام با نیازهای بازار کار تطبیق داده‌اند. آنها، تأکید را از امور مالی به مدیریت، صنایع، بازاریابی و فروش مستقل کرده‌اند.

یکی از دست‌اندرکاران اظهار داشت که این تحولات در بازار کار، اثرهای مثبتی بر این فارغ التحصیلان داشته و از نخوت و تکبر آنان تا حدودی کاسته است! ■

### مدیر برجسته

چینی‌ها، معمولاً در کار زیاد و زحمت‌کشی شهرت بسزایی دارند. اما، مدیرعامل «بانک آسیای شرقی» در هنگ کنگ، دیوید لی، مقوله دیگری است. با مطالعه بیوگرافی او، مشاهده می‌کنیم که وی در ۲۷ سازمان نقش فعال دارد. پست‌های آقای لی از این قرار است: رئیس هیئت مدیره «اتحادیه بانکهای چینی» در هنگ کنگ، قائم مقام رئیس هیئت مدیره «تله کومانیکیشن هنگ کنگ»، رئیس هیئت مدیره یک گروه خیریه به نام «آرتس رستگاری» (Salvation Army)، (او جهت خدماتش در اینجا به نشان امپراطوری بریتانیا نائل شد)، و رئیس هیئت مدیره «باله هنگ کنگ»، که اینها تعداد انگشت شماری از مقام‌های وی بشمار می‌روند.

در این شرایط، ممکن است تصور شود که آقای لی، مدیری است بسیار گرفتار، و شدیداً تحت فشار. ولی به هیچ وجه این چنین نیست. او در جالی که بسیار آرام و محجوبانه در مورد دوران زندگی حرفه‌ای خود سخن می‌گوید، اظهار می‌دارد که همکاران خوب، و اینکه اصولاً در طول شبانه روز فقط به چهار ساعت خواب نیاز دارد، باعث این

نویسنده: توماس آر. کرایج<sup>۱</sup>

ترجمه: امیرحسین انصاحی نائینی

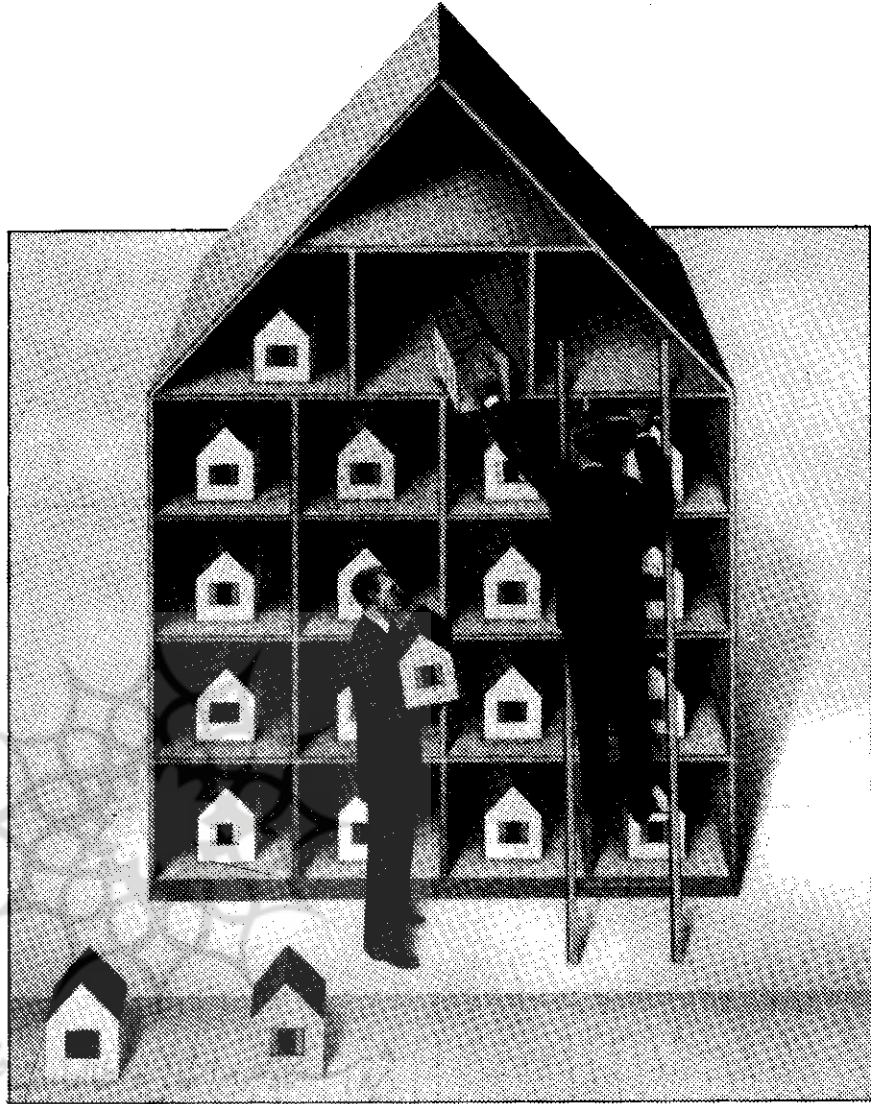
# آثار ترکیبی ارقام غیر واقعی صورت‌های مالی دوره جاری و دوره قبل بر ارزیابی یافته‌های حسابرسی

بیانیه شماره ۴۷ استانداردهای حسابرسی در پاراگراف ۳۰ چنین بیان شده است: «در دوره‌های قبل، امکان دارد ارائه ارقام از سوی واحد مورد رسیدگی به طور درست صورت نگرفته باشد؛ زیرا ارقام مذکور به طور با اهمیتی موجب ارائه غیر واقعی صورت‌های مالی دوره‌های قبل نگردیده است. علاوه بر این، ممکن است که ارقام مذکور بر صورت‌های مالی دوره جاری اثر گذارده باشد. بدین جهت اگر حسابرس معتقد به وجود نوعی ریسک بالای غیرقابل قبول<sup>۲</sup> باشد که به واسطه آن، امکان ارائه ارقام غیر واقعی با اهمیت صورت‌های مالی دوره جاری وجود داشته باشد، در صورتی که ارقام غیر واقعی محتمل<sup>۳</sup> دوره قبل که بر صورت‌های مالی دوره جاری اثر گذارده و همراه با ارقام غیر واقعی محتمل ایجاد شده در دوره جاری مورد ملاحظه باشد، باید اثر ارقام غیر واقعی محتمل بر صورت‌های مالی دوره جاری را به طور جمع شده<sup>۴</sup> (که شامل اثر

حسابرسان معمولاً هنگام ارزیابی یافته‌ها به طور طبیعی توجه خود را به ارقام غیر واقعی پایان دوره متمرکز می‌سازند. حال آنکه ارقام غیر واقعی مربوط به دوره جاری و دوره قبل می‌توانند با یکدیگر ترکیب و منجر به ارائه ارقام غیر واقعی با اهمیت گردد.  
در این مقاله، نویسنده نحوه برخورد با چنین حالتی را به بحث گذارده است.

اگر چه ارزیابی یافته‌های حسابرسی<sup>۲</sup> یک موضوع قضاوت حرفه‌ای بشمار می‌رود، بیانیه شماره ۴۷ استانداردهای حسابرسی<sup>۳</sup>، راجع به ریسک و اهمیت در اجرای عملیات حسابرسی (AU) بخش ۳۱۲ استانداردهای حرفه‌ای (AICPA) رویه‌ای را که نوعی تغییر نسبتاً مهم در رویه‌های قبلی تلقی شده و اغلب به عنوان آثار ترکیبی ارقام غیر واقعی دوره جاری و دوره قبل<sup>۴</sup> مطرح می‌باشد، تدوین نموده است.

۱- توماس آر. کرایج، دارای مدارک CPA و دانشیار رشته حسابداری دانشگاه ایالت ایلینوی نویز است. مقاله حاضر توسط پاتریک مک‌نامی، دارای مدرک CPA و معاون بخش حسابداری و مدیریت مالی اداره حسابداری کل ایالات متحده تنظیم و در ماهنامه انجمن حسابداران خبره آمریکا AICPA به چاپ رسیده است.



فروش و سود قبل از مالیات گزارش شده در سال ۱۹۹۰ هریک به مبلغ ۱۳۰ دلار کمتر ارائه می‌گردید. توجه داشته باشید اگر حسابرس شرکت XYZ هنگام ارزیابی یافته‌های حسابرسی فقط رقم غیرواقعی به مبلغ ۶۰ دلار پایان دوره را در نظر بگیرد، به یک نتیجه متفاوت و در عین حال نخطا خواهد رسید. از آنجا که ارقام غیرواقعی نادرست ترازنامه پایان دوره قبل به صورت حساب سود و زیان دوره جاری منتقل می‌شود، حسابرس باید آثار چنین انتقالاتی را مورد توجه قرار دهد. به عبارت دیگر، یک صاحبکار نمی‌تواند صرفاً به دلیل اینکه ارقام غیرواقعی دوره قبل بی‌اهمیت تلقی شده است دوره جدید خود را با یک «حسن سابقه»<sup>۱۵</sup> شروع نماید.

## حالت ۲

حسابرس شرکت سهامی RST در پایان عملیات حسابرسی سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ در حال ارزیابی یافته‌های حسابرسی است. جدول شماره یک در صفحه بعد، ارقام غیرواقعی نادرست بدست آمده را توسط حسابرس در عملیات حسابرسی سال جاری و سال قبل نشان می‌دهد. رقم غیرواقعی محتمل به‌طور جمع شده برای سال ۱۹۹۰ شرکت RST چیست؟

پاسخ این سؤال به ارزیابی حسابرس از ریسک بستگی دارد که این خود نیز با بکارگیری موضوع پاراگراف ۳۰ میسر خواهد بود. در این رابطه دو نتیجه ممکن می‌باشد.

لازمه بکارگیری موضوع پاراگراف ۳۰ در رابطه با در نظر گرفتن اثر دوره جاری مربوط به ارقام غیرواقعی دوره قبل نوعی ملاحظه شرطی<sup>۱۶</sup> است. پاراگراف مذکور چنین بیان داشته است که «اگر حسابرس معتقد به وجود نوعی ریسک بالایی غیرقابل قبول باشد که به واسطه آن امکان ارائه ارقام غیرواقعی با اهمیت صورتهای مالی دوره جاری وجود داشته باشد در صورتی که ارقام غیرواقعی محتمل دوره قبل... همراه با ارقام غیرواقعی محتمل ایجاد شده در دوره جاری...».

ورق بزنید

ارزیابی یافته‌های حسابرسی است. در این حالت در ارتباط با ارقام غیرواقعی نادرست عملیات حسابرسی دوره جاری و دوره قبل. تنها اشتباهات مقطع زمانی<sup>۱۷</sup> فروش مورد نظر است. حسابهای دریافتی در ابتدای دوره به مبلغ ۷۰ دلار کمتر از میزان واقعی<sup>۱۸</sup> و در پایان دوره به مبلغ ۶۰ دلار بیشتر از میزان واقعی<sup>۱۹</sup> ارائه گردیده است. حال اگر در شرکت ارائه رقم غیرواقعی به مبلغ ۱۰۰ دلار در سود قبل از مالیات با اهمیت محسوب شود، آیا سود قبل از مالیات سال ۱۹۹۰ به‌طور بی‌اهمیتی غیرواقعی است؟

پاسخ این سؤال مثبت است. به منظور بکارگیری موضوع پاراگراف ۳۰، حسابرس رقم بیشتر ارائه شده حسابهای دریافتی در پایان دوره به مبلغ ۶۰ دلار و رقم کمتر ارائه شده حسابهای دریافتی در ابتدای دوره به مبلغ ۷۰ دلار را با یکدیگر ترکیب می‌کند. نتیجه چنین ترکیبی ارائه بیشتر از میزان واقعی سود قبل از مالیات به مبلغ ۱۳۰ دلار خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر شرکت XYZ درآمد پایان دوره مربوط به اشتباه مقطع زمانی سال ۱۹۹۱ و درآمد ابتدای دوره مربوط به اشتباه مقطع زمانی سال ۱۹۸۹ را به‌طور صحیح ثبت می‌کرد،

ارقام غیرواقعی محتمل دوره قبل است) در نظر گیرد». موضوع پاراگراف ۳۰، بحث پیرامون آثار ترکیبی ارقام غیر واقعی نادرست حسابهای حقیقی<sup>۸</sup> ابتدای دوره و پایان دوره بر حسابهای گزارش شده<sup>۹</sup> دوره جاری واحد مورد رسیدگی می‌باشد. به منظور بکارگیری هر چه بیشتر موضوع پاراگراف ۳۰، لازم است حسابرس از طریق آثار ترکیبی مربوط به ارقام غیرواقعی ایجاد شده در دوره جاری ۱۰ و ارقام غیرواقعی انتقال یافته از دوره قبل<sup>۱۱</sup>، این مطلب که سود گزارش شده دوره جاری به‌طور بااهمیتی غیرواقعی است را مورد توجه قرار دهد.

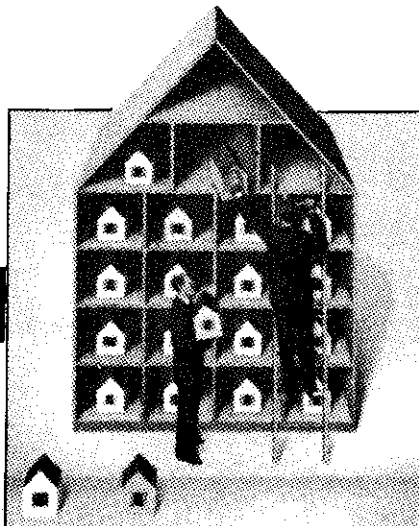
در این مقاله تشریح مطالب حسابرسی مربوط به تجزیه و تحلیل ارقام غیرواقعی ترکیب شده در دو حالت ارائه گردیده است:

## حالت ۱

حسابرس شرکت سهامی XYZ در پایان عملیات حسابرسی سال مالی منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ در حال

شماره پنجم و ششم





## جدول شماره یک

شرکت سهامی RST: ارقام غیرواقعی نادرست (در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ و ۱۹۸۹) (ارقام به دلار)

ردیف	اشتباه شرح	۳۱ دسامبر	۱۹۹۰	۱۹۸۹
۱-	ارائه (بیشتر) از میزان واقعی حسابهای دریافتی - اشتباهات مقطع زمانی فروش	(۲۰)	(۸۰)	(۲۰)
۲-	ارائه (بیشتر) کمتر از میزان واقعی حسابهای دریافتی - تفاوت در برآورد قابلیت وصول	۲۰	(۳۰)	۲۰
۳-	ارائه (بیشتر) کمتر از میزان واقعی موجودیها - اشتباه در برآورد قابلیت بازافت	۳۰	(۴۰)	۳۰
۴-	ارائه (کمتر) از میزان واقعی حقوق پرداختی - عدم در نظر گرفتن واقعت موجود جهت محاسبه بدهی	(۲۵)	-	(۲۵)
۵-	ارائه (کمتر) از میزان واقعی خالص اموال <sup>۱۷</sup> - هزینه های سر بار تخصیص نیافته به دارایی در سالهای قبل	۴۰	۲۰	۴۰
	اثر خالص کلیه ارقام غیرواقعی بر ارائه (بیشتر) کمتر از میزان واقعی سود قبل از مالیات	۴۵	(۱۳۰)	۴۵

توضیح: تفاوت موجود در ارقام کمتر ارائه شده خالص اموال در ابتدای سال و پایان سال مربوط به استهلاکی است که در صورت سرمایه ای تلقی نمودن هزینه های سر بار می بایست به طور صحیح در سال ۱۹۸۷ ثبت می شد.

## جدول شماره دو

شرکت سهامی RST: محاسبه رقم غیرواقعی محتمل به طور جمع شده در سود قبل از مالیات سال ۱۹۹۰

ارقام به دلار)	ارائه (بیشتر) کمتر از میزان واقعی سود قبل از مالیات
۴۵ (۱۳۰)	اثر ایجاد شده در دوره جاری مربوط به ارقام غیرواقعی پایان دوره - ارائه (بیشتر) کمتر از میزان واقعی سود قبل از مالیات
۱۸ n/a (۴۵)	اثر انتقال یافته از دوره قبل مربوط به ارقام غیرواقعی ابتدای دوره
۴۵ (۱۷۵)	ارائه (بیشتر) کمتر از میزان واقعی سود قبل از مالیات

توضیح: سایر روشهای موجود جهت محاسبه آثار ترکیبی ارقام غیرواقعی، روشهای تعیین تغییر خالص می باشند؛ برای مثال، براساس تغییر در ارقام بیشتر ارائه شده حسابهای دریافتی، به آسانی می توان مشاهده نمود که فروش دوره جاری به مبلغ ۶۰ دلار بیشتر از میزان واقعی ارائه گردیده است. اگرچه روشهای تعیین تغییر خالص و روشهای اثر ایجاد شده در دوره جاری - اثر انتقال یافته از دوره قبل هر دو به نتایج مشابهی منجر می شود، لیکن یکی از محدودیتهای عملی استفاده از روشهای تعیین تغییر خالص، عدم ارائه درک مستقیم موضوع درواقعی است که تغییرات ارقام غیرواقعی از یک دوره به دوره دیگر مورد نظر است.

بنابراین، یک حسابرس هنگام ارزیابی یافته های حسابرسی اگر نتیجه بگیرد که ارائه رقم غیرواقعی با اهمیت به واسطه آثار ترکیب شده ارقام غیرواقعی، دارای «ریسک بالای غیرقابل قبول» نیست، ممکن است ارقام غیرواقعی دوره قبل را نادیده بگیرد. به منظور رسیدن به چنین نتیجه ای، حسابرس شرکت RST ارقام غیرواقعی محتمل را به طور جمع شده به مبلغ ۱۵۰ دلار در سود قبل از مالیات، محاسبه می کند. رقم مذکور عبارت از جمع کلیه ارقام غیرواقعی پایان دوره که در دوره جاری ایجاد شده است، می باشد (اشتباه ردیفهای ۱، ۲ و ۳ جدول شماره یک).

اگر حسابرس به این نتیجه برسد که ارائه رقم غیرواقعی با اهمیت دارای ریسک بالایی غیرقابل قبول است، باید اثر ترکیبی بر نتایج دوره جاری ناشی از اثر انتقال یافته از دوره قبل که مربوط به ارقام غیرواقعی ابتدای دوره است و همچنین اثر ایجاد شده در دوره جاری که مربوط به ارقام غیرواقعی پایان دوره است را محاسبه نماید. جدول شماره دو در زیر، چگونگی محاسبه رقم غیرواقعی محتمل را به طور جمع شده به مبلغ ۱۷۵ دلار در سود قبل از مالیات توسط حسابرس شرکت نشان می دهد.

پس از آنکه حسابرس ارقام غیرواقعی محتمل در صورتهای مالی را به طور جمع شده برآورد نمود، باید این مطلب که صورتهای مالی به طور با اهمیتی ارقام غیرواقعی را ارائه می دهد، ارزیابی کند. فرض کنید در شرکت RST ارائه رقم غیرواقعی به مبلغ ۲۰۰ دلار در سود قبل از مالیات با اهمیت محسوب شود. از آنجا که این دامنه اهمیت<sup>۱۸</sup> از مبلغ ۱۷۵ دلار رقم غیرواقعی محتمل به طور جمع شده بیشتر است، برخی از حسابرسان ممکن است چنین نتیجه بگیرند که دیگر ضرورتی برای اصلاح صورتهای مالی سال ۱۹۹۰ شرکت RST وجود نخواهد داشت. در چنین شرایطی، لازم است حسابرسان موضوع پاراگراف ۳۲ بیانیه شماره ۴۷ استانداردهای حسابرسی را مورد توجه قرار دهند. پاراگراف مذکور چنین بیان داشته است: «اگر حسابرس نتیجه بگیرد که ارقام غیرواقعی محتمل به طور جمع شده نمی تواند به ارائه ارقام غیرواقعی در صورتهای مالی منجر شود، لازم است این مطلب که ارقام مذکور به واسطه سایر ارقام غیرواقعی که ممکن است از نظر حسابرس دورمانده باشد و به طور با اهمیتی می تواند منجر به ارائه ارقام غیرواقعی درآینده گردد، را مورد شناسایی قرار دهد. به همان میزان که رقم غیرواقعی محتمل به طور جمع شده افزایش یابد، ریسکی که ممکن است منجر به ارائه ارقام غیرواقعی در صورتهای مالی گردد نیز افزایش خواهد یافت».

بنابراین، با در نظر گرفتن دامنه اهمیت به مبلغ ۲۰۰

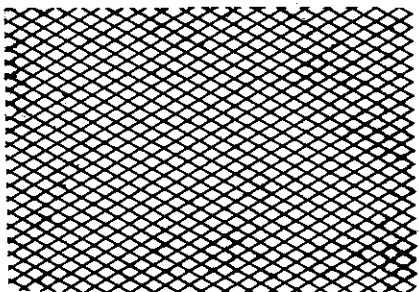


## دنباله میزگرد

این پیش آمد که حالا آقایان باید دست بالا بزنند و برای پیگیری و عمل به پیشنهادها وقت بگذارند، هرکس از یک طرف میدان را خالی کرد و هیچکس حاضر نشد قدمی برای حل مشکلات بردارد. ما اگر اهل عمل نباشیم، در واقع شعار داده‌ایم. ما اگر صرفاً دنبال مسایل مالی باشیم دیگر نباید دنبال این قبیل مسایل باشیم و تکلیف ما لااقل برای خودمان باید روشن باشد. آن موقع سال ۶۵ بود و حالا سال ۶۹. دیگر نمی‌دانم جلسه بعدی در چه سالی خواهد بود.

### شلیله:

بظن من می‌رسد اندیشیدن به هر مسئله‌ای نوعی اقدام و مرحله‌ای از عمل است. منتها چنانچه هر اقدامی در این مرحله متوقف گردد، عمل ما ناقص و نارساست و به نتیجه نمی‌رسد. حسابدار خواستار است که به سهم خود در این موارد جدی باشد و همین میزگرد نشانه‌ای از این نیت اوست. اما شکی نیست که هیچ عضوی از یک گروه انسانی یا هیچ گروهی از یک جمعیت به تنهایی نمی‌تواند هیچ کاری را به پایان برد. همچنان که آنچه این میزگرد می‌تواند به خوانندگان حسابدار منتقل نماید، محصول آمادگی ما بعنوان حسابدار و مساعدت شما به عنوان دست‌اندرکاران آموزش حسابداری است. از این نظر شاید پیش از هر اقدامی در راه ارتقای سطح دانش و حرفه حسابداری در ایران مستلزم سازمان‌یافتگی هر چه بیشتر اعضای حرفه در یک نظام تشکیلاتی اصولی است. به هر صورت از طرف حسابدار و انجمن حسابداران از همکاری آقایان سپاسگزاریم.



بااهمیتی غیرواقعی است، مورد توجه قرار دهد. اگر حسابرس هنگام ارزیابی یافته‌های حسابرسی نتیجه بگیرد که ارائه رقم غیرواقعی با اهمیت به واسطه آثار ترکیب شده ارقام غیرواقعی دارای ریسک بالای غیرقابل قبول نیست، ممکن است ارقام غیرواقعی دوره قبل را نادیده بگیرد.

اگر ارائه رقم غیرواقعی با اهمیت دارای ریسک بالای غیرقابل قبول باشد، حسابرس باید اثر ترکیبی بر نتایج دوره جاری ناشی از اثر انتقال یافته از دوره قبل که مربوط به ارقام غیرواقعی ابتدای دوره است و همچنین اثر ایجاد شده در دوره جاری که مربوط به ارقام غیرواقعی پایان دوره است را محاسبه نماید.

2. Audit Findings
3. Statement on Auditing Standards (SAS) no.47
4. Combined effects of current-period and prior-period misstatements
5. unacceptably high risk
6. Likly Misstatements
7. Aggregate
8. Real Accounts
9. Reported Accounts
10. Originations of Current-Period Misstatements
11. Reversals of Prior-Period Misstatements
12. Cutoff Errors
13. under statement
14. Over Statement
15. Clean Slate
16. Conditional
17. Net Properties

۱۸. n/a شکل اختصاری عبارت «not applicable» به معنای «مورد ندارد» می‌باشد (م).

19. Materiality Threshold

دلار، در برخی موارد ممکن است حسابرس از صاحبکار بخواهد که بعضی از ارقام غیرواقعی را اصلاح کند. در برخی موارد دیگر نیز ممکن است قبول ریسک ارقام غیرواقعی با اهمیت علیرغم میل باطنی حسابرس نتایج بهتری بدست دهد.

همچنین، اگر حسابرس نتیجه بگیرد که ارقام غیرواقعی محتمل به‌طور جمع شده، به‌طور با اهمیت در سال جاری وجود دارد، ممکن است در نظر داشته باشد که به‌منظور کاهش ارقام غیرواقعی محتمل با اهمیت در گزارش نتایج سال آینده از صاحبکار بخواهد که بعضی از ارقام غیرواقعی را اصلاح نماید.

این مقاله چگونگی ترکیب ارقام غیرواقعی دوره قبل و ارقام غیرواقعی دوره جاری را نشان داد. اما توجه داشته باشید که در برخی موارد ارقام غیرواقعی ارائه شده دوره قبل ممکن است موجب کاهش ارقام غیرواقعی ارائه شده دوره جاری گردد. برای مثال، اگر اشتباهات مقطعی زمانی سبب می‌شد که حسابهای دریافتی پایان دوره و ابتدای دوره هریک به ترتیب به مبلغ ۱۰۰ دلار و ۸۰ دلار بیشتر ارائه شود، سود قبل از مالیات دوره جاری فقط به مبلغ ۲۰ دلار بیشتر از میزان واقعی ارائه می‌گردید.

### تذکر نهایی:

کلید ارقام غیرواقعی ترازنامه در ابتدای دوره، همانند ارقام غیرواقعی ترازنامه در پایان دوره به همان میزان براندازه‌گیری سود دوره جاری مؤثر است. موضوع پاراگراف ۳۰ بیانیه شماره ۴۷ استانداردهای حسابرسی فقط مستلزم آن است که حسابرسان این حقیقت اساسی را مورد توجه قرار دهند: ارقام غیرواقعی مربوط به دوره جاری و دوره قبل می‌توانند با یکدیگر ترکیب و به ارائه ارقام غیرواقعی با اهمیت منجر گردند، حتی در صورتی که رقم غیرواقعی به تنهایی دارای اهمیت نباشد.

### خلاصه موارد اجرایی

یک صاحبکار نمی‌تواند صرفاً به دلیل اینکه ارقام غیرواقعی دوره قبل بی‌اهمیت تلقی شده است، دوره جدید خود را با یک «حسن سابقه» شروع نماید.

به منظور بکارگیری موضوع پاراگراف ۳۰، لازم است حسابرس از طریق آثار ترکیبی مربوط به دوره جاری و دوره قبل، این مطلب را که سود گزارش شده دوره جاری به‌طور



# C.P.A

دنباله

درآمد فروش	مالیات قابل پرداخت
الف) ۲۷,۵۶۰	۱,۵۶۰
ب) ۲۶,۹۶۰	۶۰۰
ج) ۲۶,۰۰۰	۱,۵۶۰
د) ۲۶,۰۰۰	۹۶۰

## سوال ۲۰

• ارقام زیر مربوط به خلاصه عملیات ماهانه فصل اول سال ۱۹۸۹ در حساب درآمد می باشد:

بدهکار	بستانکار
ژانویه	۱۰,۶۰۰
فوریه	۷,۴۲۰
مارس	۹,۵۴۰
	۲۷,۵۶۰

در اول ژانویه ۱۹۸۸، شرکت هیل یک ماشین را از شرکت آت برای ۵ سال اجاره کرد. اجاره سالانه ۵۰,۰۰۰ دلار و نوع آن اجاره عملیاتی بود. در آغاز اجاره شرکت میل ۱۰۰,۰۰۰ دلار پرداخت کرد که ۵۰,۰۰۰ دلار آن مربوط به اجاره سال اول و ۵۰,۰۰۰ دلار بقیه سپرده تأمین است که تا پایان اجاره مسترد نمی گردد ولی می تواند بعنوان اجاره سال آخر منظور شود. شرکت میل کل ۱۰۰,۰۰۰ دلار دریافتی را در سال ۱۹۸۸ بعنوان درآمد گزارش نموده است. نرخ مالیات بردرآمد شرکت میل ۳۰٪ است.

۴- در ترازنامه مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸، چه قسمتی از ۱۰۰,۰۰۰ دلار بایستی بعنوان بدهی نشان داده شود؟

در صورت های مالی فصل منتهی به ۳۱ مارس ۱۹۸۹، درآمد فروش و مالیات قابل پرداخت فروش عبارتست از:

الف) ۵۰,۰۰۰ دلار	ب) ۴۰,۰۰۰ دلار
ج) ۳۵,۰۰۰ دلار	د) ۲۸,۰۰۰ دلار

نام شرکت کننده:

پاسخ نامه

کد: P-1-1

مربوط به سؤالات مجموعه شماره ۱ امتحان حسابداری - قسمت اول C.P.A

شماره سوال	پاسخ	شماره سؤال	پاسخ
۱	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۱	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۲	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۲	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۳	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۳	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۴	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۴	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۵	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۵	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۶	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۶	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۷	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۷	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۸	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۸	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۹	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۱۹	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>
۱۰	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>	۲۰	الف) <input type="radio"/> ب) <input type="radio"/> ج) <input type="radio"/> د) <input type="radio"/>

شرکت گاه علوم انسانی و مطالعات بینگنی  
 جامع علوم انسانی  
**C.P.A**